

عربستان) بیکدیگر در قلبه حکومتی شوشتر بهین
 ینه است و محتاج باطله دیگر نیستیم
 سوم - فرستادن یکنفر آدم متدین صدیق از
 طهران برای اداره مالیه عربستان - و نشان دادن
 تفصووت عمل مالیاتی و نیول املاک را جدآ از او
 خواستن و ضمیمه بودجه عربستان داشتن
 چهارم - منظور داشتن همین تفاوت عمل بودجه
 برای اداره معارف و ترتیب تعلیمات اجباری و اداره
 حفظالصحه عربستان، همین فروع و تفاوت عملی که
 بخرج دفتر عربستان تا کنون منظور نبوده برای
 ترتیب ادارات مذکوره کافی خواهد بود، چون اهل
 اینصفحه از این حیثیت واجبالتزم اند زیرا که
 فرسنگها از تمدن دور و از لباس دانش بکلی عورند
 پنجم و ششم - تعیین دو نفر آدم عالم کافی با
 مواجب وانی برای اداره کردن و ریاست عدایه و
 نظمیة عربستان

هفتم - تسریل مخابرات یستی و تلگرافی
 هشتم - صرف نظر کردن اولیای دولت ابد مدت
 از مطالبات دوساله عربستان و صرف کردن آن برای
 حفظ نظم و امنیت و ترقی عمل زراعت از قبیل
 بستن پل شوشتر و غیره

چنانچه مصادر امور در تدارك و اعمال این
 نسخه تسامح و اهمال فرمایند شاید بعد از این دادن
 توش دارو باین محتضر بی اثر و نمر باشد

مکتوب از کرمان
 پس از آنکه در مدت دو سال وطب و یابس
 اهالی یزد و کرمان شهر بایک و رفسنجان زوند و
 کوهنجان را سارقین بهارلو، عیناللو، عرب افشار
 یچاقچی، لشی، میبندی، پای قلعه، و و و و و تاراج
 کرده متجاوز از ده هزار شتر صد هزار گوسفند
 اساس البیت حتی از کهنه کلیم و آسیاب سنگی دستی
 اغماض نکرده و چه قدر نفوس را مقتول نموده
 هر کجا یکنفر شریر دعوی ریاست کرد جعی کثیر
 دور او را گرفته بتاخت تاراج رعیت و بردن وزدن
 قوافل تیره دیده شیخهای متعدد، شیخزکریا، شیخ
 نصرالله، شیخ اکبر، عباسقلی چهار راهی و غیره در
 بخر بلوک، و حکوهستان و قریه پای گرفت،
 و اغلب این ها را چه در شمال چه در جنوب
 بطور دولت و حکام باعث شده بعضی را محکوم کردند

برخورا جلوگیری نکردند، چرا؟ بجهت اینکه مردم را
 از مشروطه بیزار نمایند، چرا؟ بجهت آنکه شیخ نوری
 تلگراف بشهر ها نماید (ظهور الفساد و انجیر و بجر با
 کسبت ایمنی الناس) چرا؟ بجهت اینکه مشروطه را حرام
 نمایند، چرا؟ بجهت اینکه مجدد حکام رعیت را تاراج
 نمایند، این آتش متدرجاً تمام شاه و جنوب را
 فرا گرفت، حتی از سرحدات بلوچستان و سینستان
 تا قریب خراسان تون و طیس و بیره را فرا گرفت
 مکرر نرماشیر را تاراج کرده قتل و غارت نموده،
 عرب و بهارلو که هرگز راه خراسان و لوت را
 ندیده بود زوار و قوافل را تاراج کرد، تمول و
 ثروت اهالی ایران را سارقین مالک شده ایشی های
 فارس که بست ترین فزدها بودند اسب های عربی
 نژاد و قنک های پنج تیر و تپ های نقره بر
 خود راست کرده میبندی ها و بهارلو و عیناللو
 پس از اتلاف شتر و گوسفند که هرچه در راهها
 مرده و هرچه خوردند صاحب ایلخی شده، صاحب
 قاطر و شتر و الاغ و خیمه و خرگاه شدند،

بحمدلله مشروطه استحکام یافت، دولت دوام گرفت،
 پای حساب درکار آمد، بنای استرداد اموال شد، جعی
 از یزد و کرمان بطرف فارس رفته معدودی شتر پر
 و گوسفند گر با آنها داده رسید تمام از او گرفته
 هنوز دو منزل دور نشده که مجدد آنها را غارت
 کرده مال را پس گرفته بلکه آنها را محت و عور
 نموده و اگر کسی چوٹ و چرا نفقه یا اراده
 بازگشت بفارس نموده فوراً او را به تیر بی رحمی
 کشته نظیر این واقعه دو مردم گاو سالار واقعه
 در قرب شهر کرمان واقع شده که از این قریه
 محقر ده دوازده نفر مقتول و بعد از رفتن بفارس
 مجدد دو نفر کشته با پای برهنه بدان معاودت
 نموده و داعی دوام دولت هستند

ورود سردار جنگ به یزد و قوام الملک بکرمان
 الحاق جای شکر است، صکه فعلاً غارت و تردد
 سارقین موقوف و راه ها امن شده، لاکن آنچه
 بسرقت رفته امید بازشت ندارد و ضیاء مأمور
 بلوکات با قدرت و شوکت در ترفن مایات مشغول
 در مدت قلیل مایات را اخذ، لاکن مسلم است که
 در هیچ عصر از اسعار استیفاء شدت عمل این
 پایه و پایه نه بوده و عذو موجه آنها این است که

مخارج و مواجب برای ما معین نه و مایات که بر ما خیع شده بعضی مهمل و یادار نیست. لهذا باید آنها را از جرم بگیریم یا بر عمل افزایش. از آنطرف رعایا شکایت دارند که از قرون عدیده بقدر امسال کسی یاد ندارد که در فشار ظلم باشیم. حکام جزو وضابط نیز شکایت دارند که سال قریب الاختتام است مباتی از مایات بی یا و بی محل یا باید تخفیف داد یا باید با اجازه به عتف و ظلم و ازدیاد مایات از رعیت بگیریم، شکایت احدی را نباید شنید، مبلبی بنایمیج دو ساه دولت نیز باقی است. دفتر مالیه و رعایا میگویند بکیمه ضباط و حکام ماضی است. ضابط میگویند در محل باقی است ارباب حساب و احزاب حل و عقد درین کشمکش ملت و مهوت و حساب آن با کرام الکاتبین است که زحمت کشیده تشریف بیسارند این حساب ها را تریق فرمایند و این اختلاف ها را بردارند، چیزی که مایه امیدواری است ورود مهورین بعضی ادارات است. معاون ایالت و رئیس کابینه دفتر حکومت و ریاست قشون و رئیس معارف و اوقاف و اجزاء نظیمه در شهر کرمان اهالی خوشحال تشکرات خود را تقدیم نموده (چه کردند؟)

بدواً رئیس نظیمه شروع به ترتیبات و جمع آوری پلیس و گزرمه نموده شاگرد های قالی باف که از کار خانه انزجار داشتند و بعضی اشخاص که در این دو ساه عادت به مرارت کرده بودند حاضر خدمت شده بزودی عده وای جمع یکروز علی الفقه اعلانی در باب اداره کردن تریک و انحصار آن که با فصول سخت نوشته شده بر در و دیوار چسبانیده از یکطرف اعلان را وصل می نمودند از طرفی رئیس عدلیه با پنجاه نفر پلیس با تفنگ و فشنگ با ضرب و ستم و فحش و عتف تمام تریک ککابن و حجرات تجار را ضبط و ثبت نموده و حجره هر کس بسته بود مهر نمودند، چون ثلث اهالی این شهر زن و مرد غنی و فقیر مبتلا باین سم قات است و لوله در شهر افتاده بانجمن ایالتی و ایالت جلیله نشکی برده و تشکیات آنها این است که در ذیل عرض شده و قیده تریک را نظیمه با اداره جهانیان اینطور قرار دادند، که تریک جنوبی را که خوشترنگ باشد مقالی هشت شاهی یعنی یکمن

یست شش تومان و هشت قران و شانزده شاهی و تریک یست تر که رنگ گرفته باشد مقالی شش شاهی یعنی یکمن یست تومان و یک قران بصاحب تریک داده هر دو رقم تریک را مقالی یکقران بمردم فروشنده یعنی یکمن شصت و هفت تومان و دو قران، مقالی هشت شاهی یا شش شاهی قیده مال، مقالی هشت شاهی مال دولت، مقالی چهار شاهی از تریک خوب و شش شاهی از تریک وسط حق اداره جهانیان

اعتراضات و تشکیاتی که اهالی بانجمن و ایالت پیش کرده و حوایی نشنیده این است اول میگویند هر کس استعمال تریک را خوب بداند دشمن هیئت ملیه و اجیل جهال است ماها اعتراف داریم که عمل بسیار مذمومی است و نهایت تشکر را داریم که دولت اقدام بمنع و انحصار آن نموده، آیا فقط مقصود از اداره این کار دخل است یا آنکه حفظ جان و مال این ملت سعیف فقیر جاهل، که از فشار ظلم طمع و حکام سلف مبتلا باین عادات ذمیمه شده، نیز شرط است؛ در تمام روی زمین شش مله یکسال قبل در اخبارات اعلان می نمایند، وقت او را معین می کنند، عیوبات او را که ضرر جانی و مالی دارد می نمایند، که هر کس به تدریج ترک نماید و هر کس طالب شرکت است شرکت نماید. بعد از انقضاء مدت حق دارند هر کس مخالفت نماید مجازات یابد، لکن مراعات هیچ کدام از این ها در کرمان نشده

(۲) فحش دادن به محترمین تجار و مهر کردن حجرات آنها و ریختن بدکاهی و حجرها در صورتیکه مطلقاً تقصیری نداشتند

(۳) چون آخر سال است فکان دارها تریک خراسان و غیره را یکمن سی تومان به تجاوز خریده لاقلاً متجاوز از شش هزار تومان باید ضرر نمایند (۴) بنایفه مخصوص قبل از وقت خبر دادن و بکلی دیگران را اطلاع ندادن که تریک خود را بانها بقیده اعلی فروشنده

(۵) انحصار و اداره را بنایفه مخصوص دادن بکلی از تساوی حقوق ملل خارج است

(۶) یکدفعه فشار و امتناع که خوف اتلاف نفوس و حردن و مریض شدن قوای آنها میباشد (۷) بدون تصور و مشورت و تصور بانجمن ایالتی

و بلدی شروع کردن

این تشکیلات را اهالی انجمن ایالت و ایالت تدبیر نموده گویا تا بحال جوابی بآنها داده نشده است . از آنطرف مستبدین در افواه عوام انداخته که این ها از فتاوی حجج اسلامی است که فردا تمام ما بحتاج شما را اداره نمایند و جز دخل موقتی خیالی نیست. شرب منہیات برای بعضی ممدوح و استعمال می نمایند، بر بعضی مذموم و چه و چه، هرچه عقلا و مشروطه خواهان فریاد میزنند حجج اسلامی جز عدل و داد و آسایش ملت و حفظ بیضه اسلام چیزی نفرمود و نخواسته بخرج نیمود و بهین سبب در باب انتخاب وکلای طهران زیاده از دوست نفر رأی نداده از هفتاد هزار مردم شهر ممدودی حاضر شده پنج نفر در طهران منتخب شدند، اسامی آنها این است، از قراریکو شهرت دارد در تلگرافخانه حاضر شده رای دادند جناب حاجی میرزا یحیی دولت آبادی . جناب حاجی شیخ مهدی ولد جناب حاجی شیخ هادی . جناب معتمد خاقان . جناب میرزا علی اکبرخان مدیر سابق صور، جناب مودب الدوله . جناب دکتر حیدر میرزا . لاکن چون اشخاص صاحب علم تربیت شده میباشند امید است امراض نفسی نداشته و از انجمن ایالتی کسب یاره معلومات را بفرمایند اگرچه وکلای ملی اختصاص بملکی دون ملکی ندارند و درسیاسی و حقوق دول و ملل باید ربط داشته باشند، باز نسبت به بعضی امورات خاصه نماند . بصیرت آنها شرط است

انجمن ایالتی - کرمان بجهت حفظ حدود و تکلیف زسارت خود - کرارا عیوبات و نواقص ملکی را پیشهاد اولیای امور نموده یا لاجواب مانده یا آنها را متهم نموده که در اجزایات دخالت می نمایند، اینک آثار آنچه پیش گوئ کرده بودند ظاهر می شود. بلوچستان بحاج مانده وقت امنیت و رفتن آن گذشت. نه مالیات آنجا وصول شد نه قلمه جات و ذخیره دولت را از بلوچها گرفتند فردا به يك اتلابی که از سردارهای وحشی بروز کرد حسابه جنوبی برای بهانه فورا حاضر است داخل شود، سرباز و سوار هم که شوری داشت بجهت نگذفتن بوجوه آنها جز خوردن و خرج و ضرر نتیجه نداد

سایر بلدان بنگر تاملین و حفظ حقوق خود میباشند، ماها بواسطه نفاق و بی خبری فکر عواقب امور خود را نکرده مایه کرمان را عمر و زید از طهران بردند، عما قریب که هوا گرم شد همان اوضاع یارینه است که بلوچ ها نرمایش فارسی ها سایر بلوکات را خواهند برد، هزار افسوس که تمام عرایض دوائخواهان بهدر رفت . وقتی بیدار خواهیم شد که آب از سر گذشته و راه چاره مسدود است پانصد نفر سرباز و پانصد نفر سوار از مایه کرمان بقاعده تشکیل نیافت!

﴿ انما یحیی الله من عباده العلماء ﴾

نامه مقدس شماره ۳۱ رسید وقایع نگار محترم اصفهان شمه از وضع علماء کثر الله امثالهم نوشته بودند لازم دیدم که بعرض این مختصر در ذکر فضائل علم و علماء پای افتخارم را بر سر فرقدان رسانیده و خود را بواسطه خدمت بر علماء از اهل جنت اعلی گردانیده باشم ، اگرچه

(من کبتم اندر چه شمارم چه کم)

(تا همسری سگانش باشد هوسم)

ایکن از قبیل

(نمله جائت برجل من جراد)

(تو سلیمانی ایی عالی نژاد)

عرض میکنم که نخستین مداح علماء خود حضرت جل و علی است، در آیه مبارکه فوق که خود علمای معانی و بیان میداند که خداوند چه قسم تعجیدشان فرموده ، دویم حضرت رسول (ص) میفرمایند علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل و مدادهم افضل من دماء الشهداء ، سیم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمایند اثناس موتی و اهل العلم احیاء و غیر ذلک، که

(تا قیامت گر بگویم زین کلام)

(صد قیامت بگذرد وین نا تمام)

وقایع نگار می نویسد علماء در مجلس منازعه و مسکاتکه مینمایند ، عرض میکنم، بآن شکستگی ارزد بصد هزار درست ، منازعه آنان بهتر از مضافه دیگران است

(ناخوش او خوش بود درجان من)

(دل فدای یار دلنجات من)

ای کاش در همه ایران آن طور علماء میبودند

(کاشکی هستی زبانی داشتی)

(تا ز هستان برده‌ها برداشتی)

مسلمانان عموماً و اهل ایران خصوصاً بدین روز سیاه نه نشستند مگر از بی علمی، از سبب ملیان نفوس مسلمین دوپست و بجهت ملیان زیر دست و فرمان بردار کفار نگردیدند مگر از بی علمی، متحمل ظلام داخلی و خارجی نشدند مگر از بی علمی حالا چاره نداریم جز تمسک بحبل المتین علماء، علماء هدایه راه جنت و سعادتند، علماء پیشوایان فوز و نجاتند علماء

با اینکه امروز ایرانیان اضعف ملل عالم بشمار میروند که نه پول نه لشکر نه اسلحه نه نفوس .. دارند، با همه اینها اگر امروز دست بدامان علماء زنند و بقاعده تبعیت حکم آنان را نمایند و حجج اسلام نجف اشرف زاده‌ها الله شرفاً و علمای عموم شهرهای ایران متفق شوند بعلم الیقین میدانم و بعین الیقین می بینم که اگر بخوانند در اندک زمان دمار از روزگار متجاوزین خارجه در می آورند. ایرانیان مثل مرا کوثیان و مصریان و هندیان و سودانیان نیستند، ایرانیان میگویند

(خوبرویان چون بهای بوسه را از جان کنند) ای خوشا که چاره بی چاره گان آسان کنند) اینک علماء چرا تا کنون اقدام نفرموده اند شاید مقتضی و موقع نه بوده که (الامور مرهونه باوقاتها) چنانکه خود دشمنان قوی بجهت مطلب را فهمیده‌اند که با مسلمانان نمی‌شود بدرستی راه رفت، زیرا که در مذهب اسلام دفع ضرر اختیار واجب عینی است نه کفائی، میدانند که بمجرد یک حکم آیات الله سبب ملیان مسلم از ممالک مختلفه سربر آورده لرزه بهارکان عالم سیاست انداخته و دشمن را در یک شبه هزاران سال عقب خواهند نشاند و بهمین سبب می‌خواهند بلطایف الحیل پلتیک یعنی بانداختن فساد در ایران میان ایرانیان و در خارجه میان شیمه و سنی بآرزوی خود که قبض ممالک اسلام یکی بعد دیگری و محو اسلام باشد نایل گردند و بعضی از پیدوکی حجج اسلام را غیر آشنا بمرام پلتیک و مقتضیات زمان پنداشته منتظرند که بزودی کامیاب خواهند شد، غافل از اینکه

(آنچه در آینه جوان بیند)

(پیر در خشت خام آن بیند)

شارع دین مبین اسلام علیه و علی آله و اصحابه آلاف التحية والسلام قانون مبنی را که از جانب خلاق زمان آورده محتوی تمام ابواب سیاسیات و حکمیات می‌باشد

(نگار من که بمکتب نرفت و خط نوشت)

(بغزه مشقه آموز صد مدرس شد)

چنانکه بنده شب دوم ورود لندن مهان جناب مجد السلطنه فرزند جناب علاء الدوله سفیر لندن بودم در ضمن صحبت گفتم، عجایب وضع سفارت لندن را خوب می بینم، خندید و فرمود آقا معلوم می‌شود قانون هم خوانده اید، مقصود شان قانونی که در مدارس عالیة پاریس و لندن تحصیل میکنند بود، گفتم قانون شریعت مطهره اسلام مستغنی از قوانین یورویاست، که باید مثلاً مباحثه و دروغ زکات شاید وضع سفارت غیر از این باشد که ابتداء بنظر بنده می‌آید. پس ذکر کلمه عجایب بجا است

(هر که از خط شریعت نهد پای برون)

(هر زمان فتح دگر روی دهد چون بر کار)

از مطاب دور نیفتیم مقصود این است که تمامی اصلاحات کار و سعادت ما از علماء است و بس خصوص علماء که بسیار سفر کرده و ممالک خارجه دیده باشند

(روی خوش و آواز خوش دارند هر يك لذتی)

(بنتر که لذت چون شود محبوب خوش آواز را)

بی از گفتن دو مطلب نیز ناگزیرم، اول اینکه حدیث ادا فسد العالم فسد العالم هم صحیح است اگرچه عالم هیچ وقت فاسد نمی‌شود بلکه متلبسین بلبس علمند. دوم

(گر مسلمان همین است که حافظ دارد)

(وای اگر ازین امروز بود فردائی)

الحق مسلمان این نیست که ما امروز داریم و صاحب اسلام از این مسلمانان بیزار است این هم سببش هن عالم نمایان اند که هر وقت برای منفعت جزئی احادیثی جعل و مخلوق را غرق دیوانه‌های اوهام کرده اند

(خلق را تقلید شایسته بر باد داد)

(ای دو صد لغت بر این تقلید باد)

یعنی باز تجدید مطلع نموده عرض میکنم همه اصلاحات دینی و دنیوی ما لزوماً است، علمایند که باید متفقاً حافظ استقلال اسلام و مسألت اسلام شوند. علمای راست که در محافل و شوارع و معابر ایستاده تکالیف عوام را بفرمایند. علمای راست که استعمال افش و امتعه متجاوزین را تحریم فرمایند و نگویند که فقط گرفتن از سوق مسلمین کفایت در بیاخته استعمال میکند. با اینکه قطع دارند از کاذب قرآن گرفته تا عمامه و کفن اموات مال روس و نجس بلکه انلب از پوست ویشم پیر ما کول اللحم و نجس العین است و مبطل نماز. چرا باید در مشاهد مقدسه ائمه هدی حتی بیت ائمه الحرام نعت روسی بسوزد که بوجه من الوجوه نجاستش تاویل بردار نیست. و حال آنکه در خود ایران معدن نعت است. و بر فرض نه بودن هم مال نجس کافر بمسلم حلال نمی شود مگر من باب اکل میته که آنها نیست. علمای راست که در عربستان و ترکستان و ایران و افغان هر جا که مسلمان است بحاس اتحادیه اسلام تاسیس و محبت و اتفاق میان سنی و شیعه بنمایند که علم اسلام را بقید بلند کنند و نگذارند اجانب پیش از این حبله جوتی نمایند. علمای راست که راضی نشوند سربازهای روسی در مساجد مسلمین آشکارا مرتدکب خلاف شرع شده دست بی عصمت بنوامیس مسلمین دراز نمایند (ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم)

بجایه جبل المتین ساها است فریاد میزند که تکلیف دولت دیگر است و تکالیف علمای و مانت دیگر

(گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من)

(آنچه البته بجای نرسد فریاد است)

علمای راست که عمل بآیه شریفه (الین یجاهدون فی سبیل الله ولا ینخافون لومة لائم) نموده بدون ملاحظه در دهات و قصبات یک بیک گردیده در میدان ها و بازارها ایستاده بمردم بفرمایند که استقراض این مبلغ جزئی روس و انگلیس با آن شرایط مخالف استقلال حرام و ننگ و عار است. یک کورور لیرا که سهل است مسلمین شیور میتوانند بجهت کورور از خود راه بفرمایند و اسلام را بیک کورور بفروشند. من بگویم امام بفرماید بلکه تا

مدت کمی بر خرید و فروش چیزهای زاید مثل تنباکو و چای و قند و کبریت یک شاهی نیم شاهی حق دولت قرار بدهند و جزئی مالیات برای اسب و کالسکه و غیر ذلک بگذارند (که هزار مقابل اینها را همیشه در ممالک متمدنه از رعایا میگیرند حتی مالیات بر سنگ و گربه) آنوقت به بینند که کله چه طور آسان بوده و ما از بی چه قدر مشکل میدانستیم. اگر عرایض مذکوره بدرجه قبول رسد و بدون تاخیر معمول گردد هیچ بید نیست که تا سویت سال اسلام در شرق و غرب عالم حکم فرما شود

(مه من بجلوه گاهی بکسی ترا چه نسبت)

(توفزون تری زماه و دگران کم از ستاره)

چنانکه انگلیسان تاره بی باین مطالب برده و بباره اخیری از اسلام دزدیده اند که امروز آفتاب بر ملکشان غروب نمیکند

(آه ز تو آموخته هنگام دیدن)

(رم کردن و ایستادن برگشتن و دیدن)

پس چه قدر حای افسوس و شرم است که چون شمع خود بسوزیم و دیگران از ما منتفع شوند

(نا دل بهوای وصل جانان دادم)

(لب بر لب او نهادم و جان دادم)

(خضرار ز لب چشمه حیوان جان یافت)

(من جان بلب چشمه حیوان دادم)

ولو أنهم فعلوا ما بوعظون به لكان خيرا لهم و اشد تبييها (ح - م ابوالقاسم - م مراغه)

بنادر جنوب

اگر وکلارا فراغتی باشد ملاحظه فرمایند توابع عباسی بنظم و نامن، کلانتر ندارد، عبور و مرور قوافل بزحمت، ۱۰ شهر صفر از چهار فرسنگی بندر عباس قریب شصت رأس الاغ مال طایفه (لك) و (شکاری) از رعایای کرمان را بنارت بردند، کسی نیست جلوگیری نماید، نه تنگچی، نه استعداد، نه سرباز، نه محافظ نه قراول، گویا بنادر جنوب را جزو ایران محسوب نمیدارند، زیرا که اولیای امور یکی نظر توجهشان بسوی این حدود نیست، تاریخ ۱۵ صفر دریایی با چهار برس پلیس وارد بندر عباس و عزم جاشک داشت، یوم ورود وعده خواست، اعیان و تجار صبح ۱۶

در دارالحکومه حاضر شب بجهاز رفته يوم ۱۶ بواسطه شدت طوفان نتوانست بياده شود، امروز شايد باز اعيان و تجار را بطلبند هرقيم مذاکره شد با پست بعد عرض خواهم نمود، ولی هيدج فايده حقه نظم و امنيت نخواهد داشت. گویا آدم فرستاده است اسدالله خان بياید که او را به کلانتری توابع منصوب نماید، هرگاه خوف نمايد و بياید و منصوب شود نیز بدون استعداد هم میتواند امنيت دهد

به موجب خبری که از سبعمجات رسیده شيخ ابوالحسن خان نوای گانی برادر شيخ ذکریای معروف قريب ۲۰۰۰ نفر تفنگچی دارد وارد (طارم) هیجده فرسنگی بندر عباس شده معلوم نیست عزم کجا دارد اینهم اسباب خیال اهالی شده است شايد امتشانی برپا نماید

باندازه که از حد شیراز الی لار و بندر عباس و لنگه امنيت داشت امروز نا امنی و بی نظمی و دزدی میباشد

(میناب) - کربلائی محمد حسن نایب الحکومه میباشد و جعی از اهالی رضائیت دارند چنانچه عریضه رضائیت شان به بندر عباس رسیده البته چند نفری معدود که مایل به نیابت آن نیستند، قوام لمالك مراجعت نموده روانه بوشهر شد، تازگی مدعی دیگر پیدا شده علی خان نامی از ملاکن میناب که سه سه میباشد مصدر برار و اذیت اهالی میناب بوده، چند نفری از اهالی میناب را با خود یار نموده وعده تفنگچی برداشته آمده در میناب نشسته داعیه حکومت دارد

۲۰ نفر از اهالی [بشاکرد] مستخضردهنه میناب که محل عبور و مرور سارقین میباشد بوده اند که طایع از ورود اشرا و دزد بخاک میناب شوند چند يوم قبل تمام ۲۰ نفر را مقتول یافته اند و قاتلینشان بکلی معلوم نیست، چون قافله افغان عبور نموده تهمت بآنها زده اند، قافله هم رفته معلوم نیست چه قسم شده باشد

(لار) - بهوجب خطوط وارده شهر و اطراف و توابع نا امن و بی نظم در خود شهر هر شب چند خانه دزدی واقع میشود به توابع امکان عبور و مرور نیست، دو قافله حامل مال التجاره بین

راه معطل شده، تا این که ۳۰ نفر تفنگچی اوزی و ۱۲ نفر لاری آمده قافله را حرکت داده و با احتیاط تمام روانه می شوند، و فرسنگی لار يك دفعه از چهار اطراف سارقین که عدده شان (۱۵۰) نفر بوده از طایفه عرب مزیدی و غیره حمله میکنند، تفنگچی بیچاره بنای جنگ گذارده قریب ۵ ساعت با سارقین میجنگند، تا این که ۲ نفر اوزی و ۲ نفر لاری مجروح و تفنگ شان تمام میشود مجبور به فرار میشوند، ۴ نفر گرفتار شده اسلحه شان بر میدارند و مابقی فرار نموده قافله تمام و کمال بدست سارقین می افتد، از جمله ۴۰۰ راس الاغ بوده - ۲۵۰ راس الاغ با بار قماش و قند و چای و غیره میبرند، مابقی را که نعت و حنا و اشیا کم قیمت حمل بوده جا گذاشته و رفته اند

بموجب خط اوز تاریخ ۸ صفر سید حاجی بابا (یرمی) و امام حسین خان (وراوی) استعداد جمعیت دیده میگویند از قشقاتی خواهش نموده جهت محاصره و تسخیر ونهب و غارت (اوز) اهالی اطلاع یافته استعداد خود دیده و بسیار وحشت و اضطراب داشته اند، هر چند بنده کثرت نمیکم قشقاتی این گونه اقدام بنماید اما خود مذکورین این داعیه دارند و اگر خدای تعالی نخواست بروند اسباب قتل نفس گای خواهد شد، زیرا که اهالی اوز با کسی جنگ ندارند ولی دفاع و حفظ سیرت و ناموس خود را واجب دانسته تا جان داشته باشند مدافعه نموده نخواهند گذاشت پای جنبی در ولایت گذاشته شود، تمام این دزدی توابع لار و انشاس سببه حات و حرکت سید یرمی و غیره بواسطه نبودن والی در فارس و حاکم در لار می باشد، هرگاه باز هم باین قرار باشد اغتشاش این حدود جنوب الی کنار دریا و سرحد مملکت بجائی خواهد رسید که امکان جلوگیری نباشد و اسباب پناه همسایه موجود شود، محل حیرت اینکه دو عامه متجاوز است سهام الدوله استمفاه خواسته ولی اولیای امور تا کنون حاکم بجهة فارس روانه نموده و این قلمه وسیع را بی حاکم گذاشته اند، در صورتیکه اهمیتش به مراتب از تمام ایالات بیشتر است، خطیونند رحم فرماید و الاً مشکل است...

ایضاً

نامنی و اغتشاش بقرار همیشه باقی نمی تواند بگوید مالک مال خود هستم ، شب ۲۲ صفر از سه فرسنگی بندر عباس (۸۰) شتر بغارت بردند ظاهراً بطرف سبزه جات رفته . اگر چه چند نفر تفنگچی یوم بعد تصاقب دزدان رفته ولی نخواهند رسید ، از توابع بندر عباس امنیت قطع شده عبور و مرور قافه لار بکلی موقوف است قافه جات یزد و کرمان وارد می شوند در خاک یزد و کرمان گویا امنیت دارند . تمام نامنی از حدود بندر عباس و فارس میباشد - شیخ ابوالحسن که در هفته قبل عرض نموده با حیثیت آمده (طارم) بموجب خبری که رسیده از آنجا به قلعه (فارغان) رفته محاصره نموده و نزاعی بن ایشان و رئیس امان الله کلانتر (فرزنان) واقع شده میانجی در میان آمده تا اینکه اطمینان بر رئیس امان الله داده آنها می رود خدمت شیخ ابوالحسن ولی بعضی ورود امر میکند او را می گیرند و حبس می نمایند و یک نفر از نوکرهای خود را کلانتر می نماید به بهانه اینکه ایامی که سیف الله خان امیر بجه حاکم لارستان آمده است سبزه رفته اند خدمت ایشان اظهار اطاعت نموده گفته اند مایات دیوانی می برداریم (در صورتیکه یکدینار هم نداده) و از آنجا نیز شیخ ابوالحسن حرکت نموده آمده در (گهره) رئیس ذوالفقار کلانتر را گرفته با ولدانش حبس نموده و لایم خود را بکلانتری نسب نموده از اطراف (عن) و (رضوان) نیز جمع آوری تفنگچی نموده افواها قوی شنیده میشود عزم بندر عباس دارد و قوی میگویند شاید خیال (دشت بر) و (ارزویه) داشته باشد ، تمام این مطالب از نبودن والی فارس میباشد هرگاه باز هم چندی باینقرار بماند بالنسبه سبب اطمینان از اهالی و اقتدار از دولت خواهد شد و اسباب بهانه خارجه مهیا و موجود خواهد گردید . بی دامن اولیای امور چه خیال می فرمایند . اعلی بندر عباس از این اخبارات کمال توحش و خوف را دارند ، حق هم دارند زیرا که هیچگونه استعدادی در اینجا موجود نیست حکمران بنادر طرف چاه بهار میباشد نایب الحکومه استعداد و قوت ندارد

(لنگه) بموجب خبری که رسیده شب ۲۲

صفر یک نفر طفل حیدرآبادی تبعه انگلیس که با دایه خودش در خانه مقتول نموده اموال و اثاث الیبت بسرقت رفت ، سارق معلوم نیست . از منور انگلیسی به اسم اینک که در این حدود اسلحه پیدا نموده اند و یا مینمایند در یک فرسنگی بالای لنگه مشهور به (کنگ) و میگویند در یک فرسنگی غربی لنگه عده سوجر و توب پیاده نموده . خداوند خیر خواسته باشد - حالات بنادر جنوب در مخاطره است (لار) بموجب خطوط وارده امنیت و اتمام مقطوع دزدی و راه زنی در توابع فراوان امکان عبور و مرور بن شهر و قری است تمام بواسطه نبودن حکومت میباشد . هوا خرابان بنی اقرار از روی پلنیک از بندر عباس تلگرافی از نبودن حکومت به امیرالدوله کردند جواب هم پلنیک رسیده مطالب خود را مستقیماً به طهران بگویند - اهالی لار و توابع در نهایت اضطراب و وحشت میباشد (میناب) علی خان مدعی حکومت است در میناب بنسبه بعض اهالی نیز همراه می باشد . متصددشان خرج نمودن کربلانی محمد حسن و حکومت خودش میباشد . میگوید التزام میدهم هر چه برقت و غارت شود از عهده برآیم ، از عباسی مطلب را تلگرافاً با معین التجار در طهران مخبره کرده تا چه نتیجه دهد مختصر تمام قطعه فارس و بنادر از نبودن والی متزلزل و البته دست نیستم در کار است اگر جلوگیری شود ارزش به تمام ممالک جنوب خواهد رسید

سنه ۱۳۲۸

جناب (حاج فخرالملک) پس از مراجعت از حدود (محره) عازم (دزفول) شدند و ظاهراً جناب (فخرالملک) پسر خودشان را که جوان آراسته قابلی است نایب الحکومه (شوشتر) یا (دزفول) معین کنند

وکلامی (عربستان) و نماینده های این سامان برای مجلس مقدس (شورای ملی) که عبارت از جناب حاج (عزالملک) ولد جناب (حاج فخر الملک) و جناب (آقا سید محمد باقر) ادیب و جناب (آقا شیخ محمد علی بهجت) دزفولی و فی الواقع هر سه اشخاص لایق هستند از طریق (محره) و (کرمان شاهان) به سلامت و مینت و بدرقه عون حضرت احدیت روانه مقصد گردیده و در محره از جانب

حکومت جلیله محلیه خصوصاً از طرف طموربین و اهالی وغیره عموماً مظهر حسن قبول و کمال تکریم شده اند

به قرار معلوم جناب (سردار ارفع) حکمران محرمه و مضافات حکم به تنظیم و تکمیل اداره نظمیة و (پلیس) فرموده اند و جناب (حاج رئیس) پیشکار مشغول تربیات این کار هستند، و از آنجا که میخواهند قانونی باشد در مواقع لازمه مشورت با جناب (اعتلاء الدوله) کارگذار مینمایند ، (حاج رئیس) محض مزید نام نیک و دعای خیر برای جناب سردار (شیخ خزعلخان) و خود شان خیال دارند تمامی مخارج چند نفر از اینام و اطفال قرا از قبیل منزل و خوراک و لباس و لوازم تحصیل آنها را بعهده خود بگیرند و در مدرسه جدید الاحداث (خزعلیه) نگاهداری و تربیت نمایند که الحاق این تشبثات شایان همه نوع تمجیدات است

زرقان

(العجب ثم العجب)

به آنایکه معنی مشروطه خواهی و وطن پرستی را نفهمیده اند - و حال آنکه نتایج این احترام و اکرام به ساسه جلیله علماء است ، و عجب دارم از آن مفسدینیکه در قصبه زرقان (چهار فرسنگی شیراز) قباچ و شنایع افعال و اعمال خود را نمی فهمند - جناب مستطاب آقای آقا ملا علی اکبر که از جمله علماء و ابا عنحد از علماء و مجتهدین بوده اند از دست انحرار و مفسدین زرقان لیللاً و نهاراً در صدمه و لطمه می باشند - و عجب دارم از عموم اهالی و امراء شیراز خصوصاً جناب صولة الدوله که رشته امورات به کف کفایت آنها است در صدد علاج و دفع مفسدین بر نمی آیند - که شب و روز جناب آقای آخوند مذکور در صدمه و لطمه از دست مفسدین باشند - تنبیهاً للغافلین نوشتیم که مفسدین دست از فساد خود بکشیده - خداوند در قرآن مجیدش فرموده (تلك الدار الاخره نجعلها للذین لا یربون علواً و الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین) و الا از اعمال و افعال هر کس خواهیم نوشت و نخواهیم در برده نشست

نطق جناب حاجی عزالمالک

(که در حین حرکت از دزفول بسمت)

(نمایندگی مجلس مقدس داده اند)

در این موقع که این خادم وطن از حکومت دزفول استعفاء و بسمت نمایندگی عربستان با دو نفر نمایندگان محترم دیگر عازم طهران هستیم امتقانات قلبی خود را بعرض آقایان محترم رسانیده و از این حسن ظنیکه این فدائی ملت را قابل این خدمت دانسته و باین سمت منتخب فرموده اند بر اندازه تشکر دارم ، امیدوارم چنانچه از بدو مشروطیت خود را خادم و فدائی این اساس مقدس دانسته در این مورد نیز از عهده و ظایف ملی خود را بر آمده بملت نجیب ایران عموماً و به صفحہ عربستان خصوصاً خدمات صادقانه خود را بروز دهد ، برای اطلاع آقایان محترم سه اقدام اساسی که برای عربستان در نظر دارم و انشاء الله در آستان مجلس مقدس و خدمت وزراء عظام کوشش در انجام آن خواهم نمود مختصراً بعرض میرسانم

اول تبدیل ولایت عربستان به ایالت است چنانچه در ماده دوم قانون وزارت داخله می نویسد « ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزء است » و نیز در ماده سیم در باب ولایت مینویسد « ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم نشین و توابع باشد » صرف نظر از اهمیت سرحدی مطابقت همین دو ماده می توان گفت عربستان را باید ایالت نمود چه در عربستان شوشتر مرکز حکومت کل و حکومت های جزء مثل محرمه ، ناصری ، هویزه ، دزفول ، رام هرمز ، غیر از طوایف اعراب و ایله حلیل بختیاری دارد ، و البته تا در این حکومت نشین های جزء انجمن های ولایتی ناظر اعمال حکومتها نباشند اساس مشروطیت استوار نخواهد بود ، و اقنان رموز و داناتایان عصر میدانند این مسئله چقدر دارای اهمیت و برای عربستان چه اندازه لزوم دارد و امید وارم ملت عربستان نیز در آت خصوص بکلای خود کک نموده تا انشاء الله از طرف مجلس مقدس این قانون وضع و عربستان جزء ایالات ایران شمرده شود

مجلس مقدس ایاتی که حاوی ناز شست محمد علی میرزا بود سروده بود بطرف طهران حرکت نموده و رهسپار گردید، آنچه معلوم است کویا برای اخذ امتیاز راه عشق آباد رفته تا تالی راه آستارا و اردبیل سازد

از طرف ایل ترکان آدینه محمد خان انتخاب شده و در مجلس مقدس قبول شدند، خیابان شهر مشهد بواسطه خراب کردن پیش طره‌ها و درست کردن بطرز تازه و سبک جدید عابرین و ناظرین را به تماشای یک خیابان وسیع همواره دعوت می‌نماید، انجمن بلدی در خصوص روشنائی کوچه و بازار و بعضی ترتیبات داعی نظافت مذاکره می‌نماید، خیلی جوی ترس است که مثل ادارات دیگر بعد از مذاکرات زیاد به بول خامه بپذیرد و چون بول نیست به اعمال و اجال بگذرد

چند روز قبل یک نفر از قزاق هلی مخمور روسی در میان کوچه سپهوش افتاده بود پدیس‌های نظمیه وی را در قایتوت نشانده و به نهایت احترام بتشرک می‌رساند، - چند روز قبل بحانه موتمن‌السلطنه چند نفر دزد رفته و مبالغی از اشیاء نفیسه و وجوه نقدینه سرقت نموده بودند از کفایت و کار دانی رئیس نظمیه گرفتار و دستگیر شده‌اند و فعلاً در نظمیه محبوسند

هر روز تقریباً چهار صد نفر سرباز در آرگ مشهد حاضر شده و در تحت مراقبت یک نفر مشاق عالم تا نزدیک ظهر مشق می‌نمایند، رئیس عدلیه که بواسطه مداخلات غیر قانونی مشهداوزاره رئیس نظمیه استعفا داده بود بواسطه تلگراف سردار اسعد که مبنی بود به‌قدغن نمودن مداخلات بادارات هم‌دیگر دو مرتبه منصوب شد، اداره نظمیه خراسان که صورت صادرات و عایدات اداره خود را باداره روز نامه طوس داده بود و درج کردند بعضی ایراد دارند باینکه عایدات نظمیه در این دو سه ماهه بیشتر از این است که صورت داده‌اند،

ایضاً

دزدهاییکه خانه موتمن السلطنه را زده بودند دستگیر شدند با بعضی راهزن‌های دیگر، از طرف اداره نظمیه بکنوع لباس زرد باقرم مخصوص و کلاه

نویج - تشکیل ارتوی منظم در این صفحه است، چه مطابق پروگرامی که هیئت وزراء عظام پیشهاد مجلس مقدس نموده اند عنقریب تشکیل چندین اردوی منظم در نقاط مختلفت ایران خواهد شد، توجه وزراء عظام را به اهمیت سرحدی این نقطه و همجواری الوار باید جلب نموده تا مقام تشکیل یکی از این اردوها در نقطه عربستان باشد، چه با اردوی منظم غیر از نظم دائمی و آسایش نام عموم اهالی عربستان افتتاح راه لرستان و خرم‌آباد نیز شده و از این رو منافع تجارت عمده عاید اهالی این مملکت و باب مرابطه این صفحه با مرکز با قرب وسائل مفتوح خواهد شد

سیم - فرستادن سه رئیس مشروطه خواه برای ادارات عدلیه و مالیه و علمیه عربستان است. چنانچه از بدو ورود حکومت جلدیه مشروطه خواه شاورده این سه اداره ریخته شده، با عدم رؤسای مقتدر مشروطه خواه البته آنطور که دلخواه مشروطه خواهان حقیقی است تنظیمات این سه اداره داده نخواهد شد، و امید وارم که وزراء عظام در این باب بزودی توجه فرموده رؤسای این ادارات از مرکز قورا فرستاده شود

در ختم عرایض تجدید تشکرات خود را از تملقات مخصوصی که آقایان علماء اعلام و اعیان عظام و تجار محترم در قلیل مدت ماموریت این بنده فرموده اند تقدیم و از خداوند توفیق خدمت مسئلت می‌نمایم

مشهد

قزاق‌های روسی هر روز صبح زود در خارج از شهر مشهد مشق دنیاه و نعام نموده و اغلب در مسافت‌های بعیده گردش می‌نمایند از قرینه معلوم است که برای تعیین سنگر و بعضی ترتیبات واجبه به‌جنگ است، حاصل آن که آن توافقی از وظیفه مبینه خویش ندارند، در اخراج قزاقهای روسی از اهالی مشهد هیچ‌طور تأثر و حرارت دیده نمیشود یار محمد خان افشار آجودان‌باشی که برای دست گیری سالار خان بلوچ رفته بود همین دو روزه وارد مشهد خواهد شد خود سالار هم فرار کرده حاجی حسین آقا پسر ملک‌التجار طهرانی که یکی از مأمورین شاه معزول بوده و در تخریب

قریب الشكل برای آنها دوخته شده که طرف عصر با نظارت پلیس میان بازار و كوچه و ارك را جاروب می نمایند .

سید باقر ترقبه که یکی از دزدان معروف و بالکلیه سلب امنیت از عابرین نموده بود دستگیر شد . بعد از استنطاق و ثبوت تقصیرات از قبیل محارب بودن و زناى محصنه کردن و قتل نفس حکم قتل وی از عدايه اعظم خراسان صادر - مشارایه را امروز در میدان ارك که جای وسیع است حاصر نمودند در صورتیکه فرمايش قتل و تقصیرات ویرا بگردش آویزان نموده بودند کف در بر کرده و به دار فذایش زدند . ولی از بسکه در ایران مجرم را بخشیده اند مشارایه تا وقت بالا رفتن دارگان نیکرد که بدارش بزنند . زیرا که مکرر دستگیر و حکم قتلش صادر مجرا بکرده بودند . باری این دار زدن با يك شکوهی اختتام پذیرفت که خرج از حد تخریر و تزییر است - نوازندگان با لباس مخصوص میبواختند - توبیجان با نظم مخصوص ایستاده بودند - پلیس های شهر با لباس پاکیزه باغ بر ۲۰۰ نفر ایستاده بودند - سربازان قرائی با لباس رسمی نظام حاضر - سوارهای مهدیه در اطراف ارك به نظام بودند

(صورت حکم عدايه)

انما جزاء الدین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک نام خزی و الدنیا ولهم فی الاخره عذاب عظیم

چون میرزا باقر ولد سید حسین (ترقبه) از چندین سال باین طرف سر راه مسلمانان را گرفته و مشغول قتل و غارت بوده و سلب امنیت و آسایش از مسلمانان و عابرین و متوطنین ترقبه و نواحی آن نموده بود مکرر اولیای دولت ابد مدت علیه در صدد قلع و قمع و رفع شرارت او بر آمده اند - و هم چنین در شهر شعبان المعظم ۱۳۲۶ حکم قتل او از محضر شرع انور صادر ولی بموقع اجرا گذارده نشده بود - در این اواخر هم جمعی از اهالی ترقبه از شرارت و تطلول و بعضی اعمال شنیعه او بیستوه آمده به هیئت اجتماعی متظلماً به مشهد مقدس شاه آورده اند - پس از

حاکمه در محاکمه جزای عدلیه اعظم خراسان و اقراراتی که در محضر شرع انور نموده حکام شرع حکم قتل او را داده اند - علیهذا تقریباً الی الله و برای استخلاص کافه انام از شر او و بقاء آیه کریمه (و فی اقصاص حیاة) محکمه جزاء اجرای حکم الله را در حق میرزا باقر واجب و متحتم دانسته به صلب او حکم می نماید، (مستشار عدلیه . امین . محمد رفیع . محکمه ابتدائی جزاء)

خلاصه ترجمه جرائد خارجه

(راجع بایران)

بموجب تلگرافات وارده از طهران سپهبدان اعم و رئیس اوزارا و سردار اسعد وزیر داخله (که دو سردار فاتح و یکی از گیلان و دیگری از بختیاری هجوم بطهران آورده و محمد علی را از سلطنت محجوع و مشروطه را قائم نمودند) از عهده خویش مستغنی شده و استعفا نامه خودشان را بمحضرت اشرف نایب السلطنه تقدیم نموده اند

دلت استعفاء این دو سردار فاتح درست براهالی طهران هم معلوم نیست ولی آنچه گفته میشود علت استعفاى آنان دو امر است

اول قیام قشون روس در ایران که نتوانسته آنها را تا کنون خارج نموده و از عهده این مسئولیت بزرگ در پیشگاه مجلس مقدس بر آیند و مرعوبیت کابینه از مجلس بیشتر بواسطه اتفاق آنان در همین مسئله مخصوص در عزل علاء السلطنه وزیر امور خارجه است

دوم بواسطه استقراض است اگر چه مجلس اجازه استقراض پنج کرویر برسییل عموم داده ولی افراد اهالی بر خلاف این استقراض می باشند خصوصاً با شرایطیکه دولین روس و انگلیس تقدیم نموده که تقسیم ایران را مسلم داشته اند که نه تنها وزرا نمیتوانند به مجلس و ملت پیش کنند بلکه بواسطه اختلاف وزرا در این دو مسئله امتناع ندارد این مسئله اهم را بتوانند در مجلس پیش نمایند عدم اتفاق وزراء در این دو مسئله اهم کار را بر سردارین زایدالوصف مشکل ساخته آنها را باستعفاء مجبور نموده است

دیگری می نویسد که استعفاى سردارین در این موقع نازک برای آن است که مجلس مجبور نشود

پیش از این با آنها اقتدار بخشد و بیشتر این اقتدار برای زبر نمودن سایر وزراء است که در رای با آنها اتفاق نمی نمایند، اگر چه مظلون است که درین موضوع کامیاب گردیده با اقتدار بش از پیش استغای خود را باز گیرند ولی باید دانست که هماره حل از چاه درست بیرون نمی آید، فرضا اگر استغای ایشان قبول میشد چه میشد؟ چنان تصور نشود که چون دولت و مجلس وجود ایشان را مقتم میدانند همه قسم به تکلیفات آنها تن در خواهند داد، شک نیست که علیحدگی ایشان در این موقع نازک مرید بر سخن کار و اهمیت دارد ولی باز هم نمیتوان گفت که ملت بجمیع تکالیف آنها تن در دهد و در تصور یک سخن خویشتن را بسختیهای عظیمه حتمیه دوچار سازد

سومی میگوید عادت اهالی مشرق خاص ایرانیان است که بروی پای خود نایستند، یعنی عقیده آن ها در حق و بطلان خویش هماره متزعزع است، به عبارت دیگر اگر او را تحسین کردند بر عقیده و افعال خود بیبالد، و هرگاه او را تقیبه نمودند سر افکنده میشود حتی پیش نفس خویش، مثلا سردارین قانع طهران با آن همه شهرت همین که اندک زمزمه بر خلاف خویش می شنوند منازاه استغای از خدمت میدهند بوض این صکه سیاسیه ایستاده حیثیت مساک خود را بر ملت ثابت و مدلل دارند بهر حال اینک سردارین بنسب السلطه استغای داده اند بدون این که علتش معلوم گردد گویا سردارین چنین تصور نموده اند اگر وجود آن ها بر سر کار نباشد افق سیاست ایران زیر و بالا خواهد گردید، پس اگر این خیال صحیح باشد بد ا مجال ایران و دریغ بر عاقبت ظلمانی این ملت

چهارمی مینویسد استغای سردارین قانع طهران قطعی و علتش مشهور است

بعضی گمان می نمایند که این استغای بلتیک و مبنی بر بیزاری از اجحافت روس و استقراض است چه این ها نمیخواهند یا نمیتوانند بروس زور بیاورند که قشون خود را از ایران خارج نماید مجلس هم در این باب زور آورده این ها هم استغای داده تا روس تا کفایت قشون خود را از ایران اخراج نماید سردارین به اننازه مرعوب روس هستند که نمی توانند قشون خود را از ایران خارج کنند و از

جهت در قلب سردارین چنین تشبیه گویا مقصود منیع امروزه شان بسته به اراحم دولتی است بنجمن میگوید - ایرانیها بدون هیچ سبب و جهت دارند بروسیان برخاسته میکنند، عجب تر این که نسبت بدولت روس بدین شده و در حق انگلیس حسن عقیدت اظهار مینمایند و حال آنکه از بعد عهدنامه دولتی روسیان قدمی جز بامضای انگلیس برنداشته اند، همان ترتیباتی را که روس در شمال اختیار نموده انگلیس در جنوب گرفته بنسب استقراض را توأم پیش کرده، در هر نقطه که یک قشون روس و انگلیس وارد شد امضایش را وزارت خارجه لندن و پترسبرگ قبل از حرکت نموده اند، از همه با مزه تر دولت جدید ایران تا امروز به هیچ وجه من الوجوه در اخراج قشون خارجه اقدام که سهل است اظهاری هم نموده اند، ولی ملت ایران و مجلس در اخراج قشون خارجه خود کوشی میکنند معلوم است که قشون اجنبیه و دول متحاه در اقدامات سیاسی خودشان با اتحاد ملت و وکلای مجلس و علماء و ارباب حراند طرف نیستند، دولت باید عدم قیام قشون خارجه را مدلل داشته آنها را مجبور بخروج از ایران نمایند، دولت روس وقتی که هیجان ملی و تقرب اهالی ایران از خود دید و حالات مطبوعات آزاد فرنگ را بر دغا بازی خویش فوق التحمل یافت در اخبار استدرود قریب برسمیت این گونه اشاعت داد دولت ایران به هیچ وجه تا کنون از دولت روس خواهش اخراج قشون روس را ننموده فقط بعد از مباحثات پارلمان من باب نکته گیری در برخی حرکات قشون روس در قزوین و مجوریت دولت یاد داشتی بدین عنوان بدولت روس از دولت ایران رسید دولت ایران شاید از این وبعد بتواند از عهده امنیت مملکت خویش بیرون آید، و این یاد داشت باندازه گنگ و مبهم و سست و بی دلیل بود که گویا غیر مساعد جوابش بدولت روس تلقین شده است، این بود که دولت روس هم به این عنوان جواب داد، بر حسب تحقیقاتی که با رسیده اطمینان بامنیت ایران هنوز نمیتوان نمود، فرار رحیم خان ثابت نمی نماید که ایران قادر بر حفظ امنیت است چنانچه دیده می شود زاه بین

مزدان نیست و حمله بر قونل روس هم بین شیراز و بوشهر فال است بر همین امر و تا کنون سزای مجرمین داده نشده است و جزال قونل تا هنوز در طهران موجود و نمی تواند به بوشهر برود البته ارفلغ وقع رحیم خان معلوم میشود حال قشون ایران از اول بهتر است، این کشف را زیرا که دولت روس نموده یک برده بسیار ضخیمی را از جلو روی عموم ایرانیان مرتفع گردانید و گویا علت العمل استغفای سردارین گردید

اخبار دیگر مینویسد دولت روس از کشف عوامی که بذریعه استدر و در معاملات ایران نموده رنل نزه در عوالم سیاست پیدا کرده دولت روس کلیه الزامات عهد شکنی را در مسائل ایران از خود مرتفع داشته اشاره نموده است که دولت جدید مانع بقیام قشون روس در ایران میباشد و این نکته خیلی از محبوب القلوبی دولت جدید در انظار ملتبان خواهد کاس چه اگر آن چه را در روزنامه استدرد من غیر رسم روسها اشاعت داده مقرون بصحبت باشد دولت جدید بر مقام خود خائف و می خواهد مانند محمد علی بزور و روس برگردن آرزوی خود سوار باشد ورنه چرا نباید دولت جدید تا کمون رفع این معاذیر جزئی را از دولت روس نموده باشد عجب تر آن که میگویند سردارین منتهای جد و جهد را در استقرض از دواتین روس و انگلیس دارند برخی از وزرا مخالف آن میباشند چون اقدامات که دواتین در جنوب و شمال نموده و می نمایند دولت جدید هیچ اعتراضی رسمی نمیکند کما آن معرود که نقشه تقسیمه ایران موضوع مذاکره دواتین در آید

حبل المتین

ما با واجدان خود هرگز تصدیق نتوانیم نمود آنچه را روسیان در اخبار استدرد اشاعت داده اند، از کجا پاتیک دانان روس این افواها را محض گفت نمودن اولیای دولت جدید نزد ملت نینداخته باشند ما یا آن حسن عقیده که تا کنون نسبت به سردارین داریم تکذیب از این گونه اشاعت مینمایم یک از سیاسیون روس در جراند لندن چنین اشاعه داده است دولت روس با منتهای میل حاضر است قشون خود را از ایران خارج کند چه مصارفی را که در این باب متحمل است کم نمیشد دولت روس بدون تحریک خارجی مصمم بود قشون

خود را از ایران بکشد چنانچه کم هم نمود ولی وکلای مجلس و اظهارات دلخراش آنها رجال رؤسبه را خیلی متغیر ساخت. مسلم است ملت بزرگی مانند روس از ملت کوچکی مانند ایرات تحمل اینگونه زیادتیاها را نتوانند نمود ولی دولت ایران درین موضوعات قصوری ندارد ازین رو دولت روس رسماً گرفت نمی نماید

طمس مینویسد ایرانیان برای برقرار گذاردن مشروطیت در ایرات بوضع اروپا سعی اند ولی افسوس (کرکتر) که عبارت از حیثیت کامله یا آئین نامه و یا موزونیت مستحسنه باشد ندارد (کرکتر) در وکلای مجلس شورای ملی ایران کم دیده می شود و همین یک نکته را میتوان سبب عمده خرابیهای سابق و لاحق ایران قرار داد و گویا این نتیجه کبر دیرینه ایرانیان است. کله ایرانیان از باد کبر و نخوت که نمره افتخارات تاریخی و مجد آباء آنها میباشد، بر وجود شان از (کرکتر) موجوده ملل اروپا خالی است. برخی از روزنامهجات ایرانی هم بر نورت اهالی از روس خیلی مجد و سعی اند و به هیچ وجه نمیتوانیم تصدیق نمود که دولت روس در امور ایران دخالت تملکی نموده دولت روس ملزم بحفظ امنیت سرحدات خویش است عجز ایران او را به این اقدامات مجبور نموده است در آخر عنوان خود امید میکند که هرگاه دولت روس مجبور شود که حب تلخی به ایرانیان بخوراند شکر افشاش نموده تا احساس تلخی آن کتر گردد و نیز ایرانیان آن یک وپوزی که در خوردن حبوب مره تا امروز نموده نه نمایند

حبل المتین

عقائد روسیان چندان لازم به تشریح نیست و مسلک روزنامه طمس هم از ابتدای انقلاب ایران بر احدی پوشیده نباشد خصوصاً در تجاوزات روس در شمال که شریک افعال آنها در جنوب است آنچه در تکبر ایرانیان گفته شده ما تصدیق داریم و از خداوند مسئلت مینمایم که این تکبر را بر ایرانیان بیفزاید که مایه بقای استقلال ایران و قومیت ایرانیان همین تکبر بوده و خواهد بود هر قوم خاضع و خاشع لا محاله زیر دست می شود و این از مسایل مسلمه طبیعی است. و ما انشاء الله در آئین مقاله خاصی در محسنات تکبر از قومی خواهیم نوشت و این را هم باید دانست که تکبر ملی ایران

می‌باشد. **تکبر** استخوانی پوسیده آسانی نیست
چنانچه همین تصور نموده است بلکه سبب تکبر
آنان در مقابل اغیار همانا تعلیمات مقدسه اسلامی است
(و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا)
و چون ما این صفت مقدس را از ارکان دیانت خود
می‌بنداریم افشاکش با مسلمانان ما اثم الله محال خواهد
بود و محکم کننده شالوده قومیت همانا تکبر است
اما اینکه اعتراض شده که ایرانیان مشروطیت
را بوضع اروپا میخواهند از پیش به برند و حال
آنکه (کرکتر) اروپائی در آنها نیست و طعن و
تویخ بکلای مجلس محترم شده که چرا برخلاف حرکات
وحشیانه عساکر روس سخن بزبان جاری کرده اند
بنده که بهیچ وجه معنی این سخن را نفهمیدم، آیا
و کلا برخلاف وظیفه خود عمل نموده که توصیحات
از وزرا خواسته اند، آیا سخت تر از این گونه سوالات
در پارلمان شدن برخلاف روس شده چطور شد که از
برای آنها (کرکتر) و برای ایرانیان ضد آن است.
گویا عرض این است که ملت ایران ساخت تا غره
از وزیر تا وکیل کلیه حرکات وحشیانه متجاوزانه
روس و قشون او را تمجید و تحسین گفته تا باین
وسیله قشون روس ترک ایران گوید ولی بد بختانه
این امید برخلاف ذمیت عالم واقع شده گویا زبان
صرعوبیت صد سانه برای ایران کم بوده باین تصایح
تو حالی میخواهد بر رعاب ایرانیان بیفزاید

اخبارات تلگرافی خارجه

في وقایع تنگار رور نامه (مارتنك پست) ار
(شنكهای) خبر میدهد که (تنگشاوئ) در
یاب مشله (تبت) بحجاب هند رهسپار است
في (پرن کومورا) به روزنامه (نیویاروك هرلد)
خبر داده که بن دولتین (امریکا و ژاپون) حدوث
اختلافی نشده که منجر به جنگ شود ، در مشله
مشرق اقصی دولتین مزبورتن مختلف الرأی نیستند ،
و درین صورت خوف جنگی نمیبود

في شاهات بلغاریا و سرویا عنقریب به اسلامبول
خواهند آمد و این مسافرت بنا به خواهش حکومت
بلغاریا و سرویا است اهالی اسلامبول کان میکنند که
در این امر دولت روس سعی نموده تا بن دولتین
مذکورتن و دولت عثمانی اتحاد قائم شود

في بر تحریکات (لارد روز بری) منسب
اصلاح مجلس اعیان انگلستان امروز مباحثه شروع
می شود و مظلون است تا روز پنجشنبه امتیاد یابد

و بر تحریکات دیگر بعد از اختتام تعطیل (صلیب
المسیح) مباحثه خواهد شد
في در مجلس ملی انگلستان در جواب (لاردهیوسیل)
(مسز اسکویت) رئیس الوزرا اظهار داشت که
حکومت اراده دارد بودجه بعد از تعطیل بهار
امضا یابد

في والا حضرت ولیمهد انگلستان در مجلس مباحثه
بر تحریک (لارد روز بری) حاضر بوده ، امر ری
هم کشیش بزرگ (کنتربری) تأیید تحریک (لارد
روز بری) را نمود

في در مجلس ملی انگلستان (مسز مونتنگو) در
جواب (مسز هارمودیور) اظهار داشت که (لارد
ملولی) نتیجه گمرک برتره هند را انتظار خواهد
نمود ، ولی بر عوارضات کارحاصلت به اراده
مداخلت ندارد

في تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که حسب
الخواهش اداره جت راه های آهن حکومت ناتی
آنها را قبول خواهد کرد

في در (خردوم) از (مسز روزبولت) استقبال
شاهانه نمودند ، و تمجید (سلاتن پاشا) حبه
ملاحظه میدان جنگ رفته ، روزنامهجات امیدوارند
که در سایر جاها نیز چنین بذیرائی شود ، و
ملاقات (مستر روزبولت) را با اعلیحضرت امپراطور
آلمان منتظر اند

في در انجمن های تجارتي انگلستان تحریک تحدید
تعرفه کمرکات با (۵۱) رای برخلاف (۱۲) رای
امضا یافت ، ۴۱ نفر از وکلاء بلزمه رای ندادند

في روزنامه (نیویاروك هرلد) می نویسد که دولت
(ژاپون) بدولت (امریکا) تحریک کرده که اقداماتی
باید نمود که دولتین مزبورتن نگران مشرق اقصی
باشند ، و در آزادی تجارت مداخلت نه باید و
حقوق تجارتي را برای هر قوم مساوی دانند

في در مجلس ملی انگلستان امروز عصر (مسز
اسکویت) اظهار داشت که مسودات در خصوص
مجلس اعیان هفته آینده پیش خواهد شد ، فعلا
ممکن نیست بیان شود که مسوده قانون مالیات و
تحریکات در این باب چه وقت پیش شود

في مخبر روتر خبر میدهد این که (نیویاروك هرلد)
نوشته است که دولتین ژاپون و امریکا در باره
مشرق اقصی متحدالرأی هستند ، در لندن تصدیق میشود
في مسز روزبولت (در یکی از انجمن های سودان

تعمیر زیاد از افسران انگلیسی نمود. اظهار داشت که دولت انگلیس اغلب اقوام وحشی را مهذب نموده و چنین سلطنت را برپا کردن گناه نیست عظیم ،
 § دولت عثمانی حکم تعمیر دو جهاز جنگی بکارخانه (ایلویک و پرو) داده است
 § تلگرافی از (پترزبرگ) رسیده که دولت روس بحواب سرحد داشت استیناف (دلائل لاما) را با الفاظ یاس انگیز داده ، وضعا اشاره هم از تعهدنامه روس و انگلیسی که در (بیکن) نموده شده .
 § پادشاه (سرویا) بمعییت رئیس الوزرا و وزیر خارجه من غیر رسم عزم رفتن (وارشو) دارد . و از آنجا به (پترزبرگ) خواهد رفت
 § مخبر (روتر) از (بیکن) خبر میدهد که (برس ساتوو) با اعمای دیگر کیسیون نظامی بعزم سیاحت ژاپون و امریکا و اروپا رهسپار شدند
 § حرائد اسلامبول از خبر ورود پادشاه و ملکه (بلغاریا) خیلی اظهار مسرت نموده می نویسند که این امر مقدمه اتحاد عثمانی ها با (بلغاریا) میباشد و نتیجه اش امنیت بالکان است. در این ملاقات برمسائل متنازعه بحث نخواهد شد و از این رو یقین میشود که رفتن پادشاه (فردینند) در اسلامبول و پادشاه (ینتر) در (پترزبرگ) جهت ابقای اتحاد است
 § دولت روس به سایر دول (اروپا) از خیالات (ینتر) و آستریا و هنگری) در پلتیک آینده بلقان اظهار نموده که خیالاتشان این است که سلطنت مشروطه جدید عثمانی را باید قوت داد، اطارت های کوچک را آزادی بخشند ، و مراسلات و مخابرات در باره الحاق (بوسنیا) که بند شده بود مجدد شروع باید کرد
 § پادشاه و ملکه (بلغاریا) امروز وارد اسلامبول شدند در ایستگاه راه آهن اعلیحضرت سلطان باستقبالشان شتافته دست ملکه را گرفته از کالسکه پائین آوردند مرق و گذرگاه هارا مزین و تماشای زیاد بود
 § اعلیحضرت سلطنت عثمانی نشان اول (حمیدیه عثمانی) را بیادشاه (فردینند) و نشان اول مجیدی را بملکه شان مرحمت فرمودند پادشاه (بلغاریا) نیز نشان (سنت الکزنیدر) زیب بر و دوش اعلیحضرت سلطان نمود
 § (وون بهمان هولویک) وزیر خارجه آلمان برای

ملاقات با پادشاه [وکرامانیول] وارد (روم) شدند و در سفارتخانه آلمان قیام کردید روز چهارشنبه با تقدس مآب پاپ ملاقات خواهد کرد
 § کتاب آبی که در خصوص (سومالی لند) در لندن اشاعت یافته ظاهر میدارد که حکومت اراده دارد قشون را از داخله سومالی عودت دهد و قطع در (بربره - زیلا - و بلهار) قیام خواهند داشت و عودت قشون فورا تممیل خواهد شد
 § (ماستریلی بنگ) از طرف (مستر سکوت) تحریکات ذیل را در مجلس ملی پیش نمود ، (۱) لازم است که قانونی تازه وضع شود که بموجب آن مجلس اعیان هیچ گونه دخالت رانی در مالیه نداشته باشد ، (۲) غیر از قانون مالیه قوانین دیگر در صورتی که سه مرتبه در مجلس ملی متوالیا امضاء یابد و از مجلس اعیان رد شود آنوقت به دست خط پادشاه احراء خواهد یافت ، مشروط بر این که از تاریخ تقدیم مسوده قانون تا رای اخیری مدت دو سال گذشته باشد ، (۳) انتخاب وکلای مجلس ملی هر پنج سال یک مرتبه باشد ،
 § پادشاه سرویا در (زارکیوسلو) وارد اعلیحضرت امپراتور روس در ایستگاه راه آهن معظم الیه را استقبال کرد
 § شب گذشته پادشاه (ینتر) در (زارکیوسلو) مدعو بوده هنگام صرف جام صحت اعلیحضرت امپراتور اظهار داشت که نتیجه این ملاقات قیام و استعکام اتحاد (روس و سربیا) میباشد و امنیت (بالکان) را حاکم است ، پادشاه (سرویا) بعد از تشکر اظهار داشت که امید است اتحاد با دولت روس همواره بر قرار خواهد ماند
 § تلگرافی از اسلامبول رسیده که پادشاه (فردینند) بلغاریا و اعلیحضرت سلطان جهة ملاحظه ۲۰۰۰۰ قشون که اولاً ملبس به لباس خاکی رنگ بودند رفته ، جمعی از اعیان و اراکین دولت اعلیحضرت سلطان و پادشاه بلغاریا تبریک گفتند ،
 § مخبر (روتر) از [اوین - ایپا] خبر میدهد که بسبب علالت پادشاه (مینلیک) [واس نیل] نایب السلطنه و محافظ ولی عهد برضایت امر زمام سلطنت را بدست خود گرفت و از ملکه نیز اختیارات سلطنتی را سلب نمود

(جل المین کلکتہ)

و کلا... فی لکھنؤ بدون قبض نہارتہ... (مشتراکاً را قبض مخصوص سال ہندہم دست نہا شد)

(قیمت اشتراک)

مدیکل کالج اجڈریٹ نمبر ۴

(نمہ شان بری شناختہ میشود)

(سالانہ — شش ماہ)

نامہ مقدسہ

HABUL MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلیہ امور ادارہ با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(ہر دو شنبہ طبع)

(دو شنبہ توزیع میشود)

(یوم دو شنبہ)

۲۳ ربيع الاول ۱۳۲۸ ہجری

(مصادف با)

(۴ اپریل ۱۹۱۰ میلادی)

الماتین

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی دون امدادی

۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک

(روس و ترکستان)

(معروف ادارہ درج شود)

۱۰ منات — ۶ منات

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دراتی و فواید ملی بحث میشود

(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آرہست)

سخت در بارہ محمد علی از رشت رسید و ما خیلی از او سخت تر جواب دادیم ، و بچہار توپ کہ در مہران شلیک شد آری از آنرا آنہمہ تلگرافات در کلیہ ایران سوائے تبریز باقی نہاد و قوایب ایرانیان برخلاف فعالیت ثابت گردید ،

با این کہ اہالی تبریز برسایز ہمجنسان ایرانی خود اثرات فعالیت را نمودہ ، و ظاہر ساختند کہ (دو صد گفتمہ چون ذرہ کردار نیست) ولی باز ہم بد بختانہ می بینم کہ ایرانیان بدون استثناء از او کردار بچہزند و در پیرامون گفتار میگردند و از این مثل کہ سالہا ورد زبان ہر ایرانی است توافل میورزند (مرد آن است کہ لب بندد و بازو بگشاید)

نابلیون اعظم را برسیدند کہ علت این ہمہ پیشرفت تو چہ بود جواب داد قبل از اینکہ بفعل مبادرت کم پیرامون قول نگردیدم ، برس ایتوی مقتول در یکی از لفظہای خود کہ دہ سال قبل در مجلس وزارت ژاپون دادہ اظہار داشت ہماراست قبل از آنیکہ مستعد فعل شویم از قول پیرہیزیم چہ زبان این قول راجع بفعل ماست یعنی او ار افعال ما می برد و خال آنکہ اقوال ہمارہ موید اثرات فعلی باشد و ہر قولی کہ چنان اثری بروی مرتب نہاشد نسبت قول باو دادن غلط است .

ایرانیان را موقع فعالیت است از بس ما ایرانیان بر گفتمہ و کم کار کردیم این است کہ بر گفتار مرتب است از اقوال ما نزدیک است مرتفع گردد و تا زمانیکہ مافعالیت خود مان را بر علیان ظاہر نداریم اثر گفتار در ما عودت نخواہد نمود ، بہقسط این اثر از گفتار ذبیقہ دانیہ و متوسطہ ما رفتہ بلکہ بہقسط عالیہ ما نیز بہمن درد مبتلا ہند

سیاسیون خارجہ و جرائد اجنبیہ از دوست و دشمن ، ما را بہ عدم استقلال نکوہش نمودہ بقول بدون فعل سر زش می نمایند ، تا اینکہ وقایع نگار روزنامہ طمس در حق ما نوشت کہ اہیات عالیہ ایران بدون استثناء در مواد ملکی و انتظامی آنچه بزبان میگویند کلہ شان خبر نمیشود و فرق سافلہ و متوسطہ شان عقیدہ قریب بہخبرات تلگرافی دارند ، و چنان می بندارند کہ در سیم تلگراف اثرات توپ کروہ و تفنگ و سرباز و سوارتام موجود است ، و از این روست کہ منہای قوت خود را در الفاظ تلگرافی صرف نمودہ از سایر تشبہات عملی و فعلی غرض بعین کردہ آسودہ و راحت می خوانند ، یاد دارم ہر انقلاب اخیرہ ولایات برخلاف محمد علی کہ عاقبت منجر بانہدام مجلس گردید ، یکی از پایتہ طرز ہوشہر اظہار داشت کہ امروزہ تلگرافی بسیار

ایرانیان راست که اگر میخواهند اقوالشان مؤثر و مؤید افغانشان در خارج و داخله باشد سی نمایند که قول آنان در اثر فشان ظاهر گردد و یا اقلا در اثر قول مملکتان حتمی باشد. و نه همین که برای يك دولت و ملت لازم است. ترك ایران خواهد گشت. گویا برای اثبات مدعا همین قدر مقدمه کافی باشد شروع بمقصود تمایم.

امروز ما را دو مسئله بسیار اهم در پیش است که اقوالمان از حد انتدال گذشته و افعالمان از مقام صفر تجاوز نمود است و این کثرت اقوال اثرات فعلی ما را هم اگر با شود بروز نماید از میان مرتفع خواهد داشت. اول رفع ضروریات دولت اعم از قرض با اعانه داخلی، دوم اخراج قشون احمیه از ایران و بقیه ما این دو يك. یعنی لارم و ملروم يك دیگر اند بعبارة اخری تا تهیه پول خواه بقرض یا باعانه شود دولت مقتدر به قرار ای امنیت نامه نتواند گردید. و تا امنیت نامه نیز بر قرار نیاید جوابی برای معادیر همسایگان در اخراج قشوشان نداریم. بچه زن می توان بروسها گفت که شما از شمال بیرون روید و حال آن که انگلیسها در جنوب دارند. وارد میشوند با آن که دولت قادر بر حفظ امنیت نیست اجرای مواد معاهده نیست.

ما تصدیق داریم که این بهانههای گرگ به بره است و بلا شت قیام قشون خارجه مرید بر با امنی و سب حذارت سرکشان و سد سیدی در جلو خیالات دولت در برقراری امنیت کشیده است و معادیر همسایگان تمام غیر قانون است ولی (چه در داس لغزنده اوفتاد مور) (بر آورده را چاره باید نه زور)

ما وقت که در گواتر و جاشک و سایر بنادر و سرحدات خود باندازه ضرورت قشون ساخلوی و مهت لازم داشته باشیم. هم لازمه ملک داری را معمول داشته وهم راه بهانه را برای همسایگان بسته ایم امروزه کایه قانونی (الحق لمن غلب) از ایرانیان مغلوب نمیشوند که شما چه حق مخالفت درخانه مادارید. در دوره تمدن در بازار سیاست جار کشیده اند که هر صاحب خانه که از انتظام خانه خویش عاجز ماند چون ضرر نا امینی به همسایگان او هم وارد است

باجار دیگران در حفظ امنیت آن خانه خواهند کوشید پس بالا ترین اقدام ما در اخراج قشون بیگانه که به بهانه حفظ امنیت وارد گردیده. همانا برقراری امنیت است. که بدبختانه هیچ در صدد نیستیم. یعنی میخواهیم بزل تنها یا با اورات سیم تلگراف جنوب و شمال و مغرب و مشرق ایران را امنیت بخشیم. و تصدیق جمیع دانایان بنای امنیت دائمی در ایران منحصر به تشکیل اردوهای منظم در نقاط مهمه مملکت است. و تشکیل چنین اردوها را يك مصارف ابتدائی در کار است که بدبختانه ملوادوچر باین خدعرات نموده که نزدیک است شیرازه استقلال ملوا را هم بپاشد. بد بختانه همه چیز را که بجمع و خرج ربانی گذرانده میخواهیم بدست آوردن پول را هم بجمع و خرج ربانی بگذرانیم.

ایرانیان باید بدانند که تا وقتی که امنیت در کلیه مملکت قائم نگردد. معادیر همسایگان مرتفع نخواهد شد. و تا وقتی اردوهای منظم در نقاط مهمه تشکیل ندهیم امنیت درین مملکت دائمی قائم نخواهد گردید. و تا پول نداشته باشیم اردو تشکیل نتوانیم داد. اخراج قشون خارجه امروز منحصر بچند کرور پول است. پول را هم که از خارجه نباید گرفت چه باتفاق دانایان در چنین حال استقراض از خارجه با آن شرایط استقلال فروشی است. جمیع بقات ایران از علماء و اعیان و تجار و کسبه همه اتناق نموده اند که یا باعانه حبری و اختیاری و یا باستقراض داخلی باید این وجه تدارك شده تا رفع احتیاجات فوری دولت بشود ولی بدبختانه ماهها گذشته و تمام بجمع و خرج زبانی گذشته است و روز بروز حال ملک و ملت رو به ابری می نهد. امروز حال جنوب خیلی وخامت دارد صاف صاف برخی جراید انگلیسی می نویسند که هرگاه چندی دیگر بدین منوال براوضاع ایران بگذرد مانند مصر انتظام شمال با روسها و جنوب با ما خواهد شد.

این نکته را هم باید دانست که انگلیسها در حایه روسها که دولت معاهد او هستند دقیقه فرو گذار ندارند. چنانچه در عین موقی که دولت و ملت ایران مصمم باخراج قشون روس گردیدند انقلابات جنوب پیش آمد و قشون انگلیس هم در نقاط عدیده مزید گردید. مسلم است با این

چنین اوضاعی دولت ایران نمیتواند دعوی امنیت نموده مدعی اخراج قشون خارجه گردد. هرگاه انگلستان در پیش آمدهای این دو سال و اند فو تبین شود. دیده خواهد شد که تمام اقدامات ایشان مبنی بر نقشه است که بر تجدید منطقه نفوذ خویش معین کرده و رفته رفته دارند همان مقصود را از پیش می برند. و اگر آلمان و عثمانی را مانع پیشرفت مقاصد خود نمیدیدند تا امروز کار را يك طرفه کرده بودند. هرگاه چندی بدین منوال بگذرد و مانع خارجی مرتفع یا سدی جلو او کشیده شود و یا او را از جنبی دیگر عوض دهند بدون شبهه همان تقسیمات جغرافیائی خودشانرا از قوه بفعل خواهند آورد.

بیگانه راه نجات ایران این است که سریعاً در مملکت امنیت قائم نموده و تا وقتی که مانع خارجی مرتفع نشده قشون همسایگان را خرج نماییم. چه تا زمانیکه قشون خارجه در ایران موجود باشد استقلال ما در مخاطره خواهد بود. لذا با يك ندای مسرجهانه از کلیه طبقات ایران اسرجم می نمایم که وقت فصالت است. قوالت به تنها پیش از بش در نظر خودی و بیگانه طارا خوار و زبون و بی قدر و مقدار خواهد ساخت. فصالت ایرانیان امروز عبارت از آن است که قبل از هر اقدام مقام منبع ریاست روحان اسلام یا کابینه وزراء و دارالشورای ملی تصفیه نمایند که رفع احتیاجات فوری دولت باید باستقراض داخلی و یا اعانه ملی بشود. هرگاه استقراض داخلی بجه یافت مواد و شروط قانونیه آن نوشته شده و قبل از هرکس تبناً و تبرکاً مقام منبع ریاست روحان اسلام چیزی در این استقراض مرحمت فرموده جد تعقیب در انجام امر فرمایند. بقیده بنده اگر از راهش برآیند و اساس کار را محکم گذارند که از سه ماه پیش از آنچه مطلوب است بدست توانند آورد و هرگاه هم باید اعانه ملی رفع این احتیاج را به نماید خوب است شروع از مقام منبع ریاست روحانی و هیئت علمیه در نجف اشرف و طلاب دیانت شعار شود. تا سار

طبقات را طرأه خجلت یا تقویق شده شروع بکار نموده بذریعه انجمنای رسمی و غیر رسمی و جرافه خارجه و داخله قارسی بصورت انجام این امر مهم را داد تا معلوم شود سر دولت بجه بالین است. ورنه بگفتن هزارانوبت بلفظ شکردهان شیرین نخواهد شد هی ما مقاله بنویسیم هی ارباب غیرت و حیث داد و فریاد کرده راه نمائی نمایند همان قوالی است. و تا وقت که فعالیت در کار نیاید روز بروز عقب تر خواهیم رفت. هر کار شالوده و اساسی میخواهد استقراض داخلی یا اعانه ملی هم بی اساس نمی شود این اساس باید بی مقام منبع ریاست روحانی اسلام و دارالشورای ملی و کابینه وزراء تصفیه یافته فوری اقدام بعملیات آن نمود. ورنه وقتی بخود خواهیم آمد که بلطاف آن طرف آب باشد. بدو از خطرات قشون خارجه در ایران غافل شدیم حالا این امر هر آن استقلال ایران را در مخاطره داشته است و جره جز فعالیت نیست و فعالیتان هم باید در فرام آوردن بول برای رفع احتیاجات فوری دولت عرض کردیم باشد و راه آب هم همان است که بیان شد

تلاکرافات آیت الله زاده خراسانی

(از مشهد بطران)

مجلس شورای ملی شب دالله ارکانه و هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم تمام این خون دیزیرا از جان گذشتن ها برای حفظ بیضه اسلام و وض عزیز بوده. لذا امروز بر تمام مسلمین و ایرانیان واجب است که برای بکوجب خاک عزیز خوش آلود ایران از جان و مال بگذرند و نگذارند پسر از این دست پاتیک اجانب در این مملکت دواز و دامان ناموس و ص زیاده بر این آلوده گردد. امروز روزیست که خونهای شهداء راه وطن که استقلال ایران است مسلمانان حفظ کنند. از قرار مسموع برای مصارف فوری دولت امروز پنج کروم تومان وجه لازم شده معلوم نیست چرا اولیای دولت فقط راه بدست آوردن اینوجه ناقابل اقرض

کردن از خارجه با آن شرایط باز گذار که يك مرتبه قلم بنهتن ایران میکند دالته اند، وزرای ممالک خارجه برای مصارف فوق العاده مملکت خود آنچه را با ترتیبات صحیحه از داخله خود جمع آوری کرده، ملتهم با کمال میل میدهد، چه شده که اولیای دولت اخیرم را مقتم بشمرده و تا حال فکری برای جمع آوری اعانه از داخله نکرده اند، آیا در میان سی کرور نفوس ایرانی نمیتوان با تدابیر عملیه و این حسن توجه امروزه رؤسای روحانی و رغبت خود ملت بنسج کرور دریافت، که هر يك روی هر فده بنج تومان داده، که بیست و بنسج کرور برای رفع احتیاج دولت فراهم گردد؛ و باین سنگ زیر بار قرض حرجه نویم، و این نوع استقراض از خارجه بهرات معایش بیشتر از قرض سابق است که پشت استقلال ایران را شکسته و مارا باین روز سیاه فکند، محض اطلاع وزراء عظام و وکلاء والا مقام بعرض میرسانم که عرایض لاره - در این باب به نجف اشرف تلگرافاً حض - و مبارک حضرت آیه الله ارواحنا فداء که اران ناحیه مقدسه احکامات لازمه واجبه در باب لروم اعانه عمومی سماء اعلام و مجلس مقدس و وزراء عظام صادر فرمایند، خوبست مجلس مقدس و وزراء عظام هم لروم مطالب را تلگرافاً حضور حضرت مستطاب آیه الله آقا عرض نموده تا تأکیدی شود، و انشاء الله قبل از آنکه وقف بگذرد نتیجه عاید گردد (محمد)

▶ ایضاً - از مشهد به نجف ▶

(آقوی آیه الله زاده خراسانی)

اولیای امور بجهت تنظیم ادارات و حفظ مملکت محتاج به بنج کرور، بدیهی است قرض از دولت با وضع فعلی مملکت خیلی مضر، دادن اینوجه بر عموم ملت از ازم واجبات، در این مطلب با مجلس و وزراء تلگرافاً مذاکره، ارناخیه مقدس صدور حکم به لزوم دادن اعانه انشاء الله بزودی اقدام شود محمد

لا یحبه جناب مستطاب آیه الله زاده

(نجل جلیل بننگان آدای صدر متعالمه السامین)

(بطول بقائه)

▶ اعانه ملیه یا مایه حیات ایران ▶

بر ارباب بصیرت پوشیده و پنهان نیست که هر قومی که حسن قومیت را دارا بوده و حسب استقلال

مملکت را متطور نظر قرار داده اند از هرگونه تعذبات محفوظ مانده و با حفظ شرایط استقلال و مان و شرف قومیت خویش نام نیک آنان زینت بخش صفحات تواریخ عالم گشته و بالعکس هر قوم و ملتی که صاحب این حسن نبوده و بهره از نعمت حسب استقلال نداشته دست تعاول و تعذبات اختیار از هر طرف بر آنان دراز گشته و بسوء اختیار خویش استقلال خود را در ورطه هولناک انداخته کم کم سمت حاکمیت شان مبدل بمحکومیت و شرف قومیت ایشان معدوم صرف شده و نام زشت ایشان ننگ تواریخ ملل عالم و مایه تبصر و تبه آیندگان خواهد شد، البته اقوامی که حسب و من و شرف حفظ استقلال آن را در سر دارند و در این طریق مشروع بجان و مال حاضر و شجره سعادت خود را بخونهای عزیز خویش آزاری کرده بخوبی آگاه هستند که استقلال دولت همانا استقلال ملت است خواری و دلت دولت خواری و دلت ملت است و بالضروره هر عاقل هوشمند تمام سی خود را در تحصیل قوت و ثروت و استقلال خویش بذل خواهد کرد و کوشش در رفع احتیاج و خواری خود خواهد نمود

و اگر دولت از حالت اولی مبدل بحال دیگر شد دوره استبداد بر طرف و اساس محکم دولت عادلانه اساسیه تأسیس گشت ممکن است که این دولت مؤسسه بر حسب پاره اقتضاعات لازمه و بمناسبت اثرات و حرکات خیانتکارانه مباشرین دوره استبداد دچار مخارج فوق العاده گردد و محتاج باستقراض مملکت و تنظم امور داخلی و ترتیب ادارات بروجه صحیح بوده باشد چنانچه فعلاً دولت ایران بهین حال افتاده و واقعات سبب احتیاج دولت همانا لزوم اصلاحاتی است که برگشت آنها بسعادت ملت است و بس

و اگر ملت با چنین دوتی همراهی نکند و اسباب رفع احتیاج او را فراهم نیاورد دولت آن ملت را ظالم گوید و خائن نامد چه واقعات بخودش ظلم و خیانت کرده و در حفظ ارکان استقلال خود کوتاهی نموده است

حالا که احتیاج دولت مسلم است چنانچه مدتهاست در جریان داخله و خارجه از احتیاج دولت و لزوم قرض آن شروع مفصله مندرج و

هر يك را بهر نشان ميدهد و ارأنة طريق كرده بايد ملاحظه نمود كه دولت ايران براي چه محتاج شده و چه قدر قرض ميخواهد بگند و در چه اصلاحي خواهد صرف ككرد و از چه راهي بايد تحصيل نمود

بر صاحبان وجدان مملست اداره سابقه استبداد كه اساس احكام آن شهوات نفساني و اغراض شخصي بود هر چه توانست قواي دولت را ضعيف كرد و باب نزوت را برخود جهلاً يا عمداً سد كرد و جميع ادارات را مختل ساخت نه قشون نه نزوت نه علم نه معارف، و بقول شاعر

(زين مردو نام مانده چو سيمرغ و كيميا)

بجز اسم بلامسي چيزي درميان نبود و اينگونه مطالب بر احدي مخي نيست و صفحه تاريخ اين دوره با اين آثار خيريت شمار مزين است، بهر شكل اين اداره مشوله جديده كه سر كار آمده با ضرورت مجبور باصلاح آن اداره هستند و ملت بلسان عالم مطبوعات تكميل نواقص سابقه بلكه تاسيس اداره جديده را جداً از اولياء امور خواهانند

و چون عالم علم اسباب و امور تدريج الحوصلت اين اصلاحات بي بول نخواهد صورت گرفت و فعلاً بجهت اصلاحات فوريه كه بدون آنها آسائش حاصل نشود از ترميم ضروريات راجه با ادارات پنج كرور لازم است و اين كتر وجبي است كه تصور ميشود و الحق خيلي طريق اقتصاد را پش گرفته اند و معلوم است بدون تحصيل اين وجه هيج اصلاحي را نيتوان كرد، خصوصاً با وضع حالته ايران مسلماً اولياء دولت نميخواهد كه مركب حنكي امريكائي يا بالونهاي هوائي آلمان بخرد يا ترتيبات غير لازمه را بگند و با اين وجه قليل نميخواهد توبههاي كروب و ميزاليوز و تفنگهاي موزر تحصيل نمايد يا تاسيس قلاع و برجهاي محكم در سرحدات بگند كه گفته شود (اين اقدامات زود است و وقت آنها دير نخواهد شد)

بلكه چنانچه دكتر شد دولت ميخواهد چند فرج سرباز ترتيب دهد كه ضامن امنيت نامه و عامه مملكت است، دولت ميخواهد امور ماليه را اصلاح نمايد كه خرج و دخل مملكت مسايل شود، دولت ميخواهد وزارت معارف را منظم نمايد و مائة

سعادت ابدى مملكت است، دولت ميخواهد مواجيب مامورين و مستورهاي دعا گويان را بدهد كه جلو گيري از تعديات مامورين و ارباب نفوذ و رشوه و همراهي تمام ملت بشود، آيا كدام يك را فوري و لازم نميدانيم و كدام يك زود است؟ پس اين وجه قليل لازم است كه دولت تحصيل نمايد. و آن سه ذريق دارد

اول - استقراض از خارجه است و ضرر آن حاجت بديان ندارد، و در صورت استقراض مسلماً شرايط و مواد پرا منظور خواهند كرد كه بالبداهة نفع آنها و ضرر ايران است و لابد در روزنامههاي داخه و خارجه آن شرايط و مواد را خوانندگان محترم ملاحظه فرموده اند و هيج صاحب وجدان در صدمه و ضرر اين نحو قرض شك و شبهه ندارد و جز نقض عرض دولت از اين استقراض چيزي عايد نخواهد شد

عقلا و خردمندان البته چيزي كه از وجودش نقض غرض لازم آيد و خلاف مقصود بر آن مترتب شود اختيار نخواهند ككرد اين است كه جريده (دس) ميگويد

ايرانيان به اختيار قرض نخواهند كرد ولي حبراً بايد بآنها قرض داد

شاید خوانندگان محترم از اين اصرار دفتر سعادت آتية ايران را تا ورق آخر بخوانند و بر نكات سياسي و مواد پلتيكي اين قرض دادن مطلع شوند كه بچه قسم ميخواهند به آمل خود برسند و اگر خدا نخواسته اولياء امور و وكلاء جمهور كه اين بار سنگين را بدوش خود گرفته و ضامن سعادت ايران و ايرانيان شده اند اقدام فرمايند بزرگترين خيانتي است كه به مملكت و دولت خود وارد آورده و در عالم اسلام برسي و وطن دوستي مشول خواهند بود

دوم - استقراض از داخله است چند نفر از اهل نزوت و مكنت و آتھائي كه كرورها بول در بانكگھلي خارجه سپرده اند تحت يك عنواني از عناوين اين وجه قليل را بدوات خویش قرض دهند و هر چه شرايط و موادي كه بخوانند قرار داده و ساليانه سود آن را از وجه و مورد معين تحصيل نمايند، نميدانيم چه ضرر دارد كه حضرت والا يا

حضرت اقدس با حضرت آقا که هرچه اعتبار و جاه تحصیل کرده اند بپرکت همین دولت و ملت خود بوده این بول را قرض دهند و سود آن را مثلاً از املاک حضرت والا محمد علی میرزا بگیرند که هم موجب تعمیر املاک و هم سبب نفع صاحب قرض و اصمیان اوست و کشتی سعادت مملکت خود را از این ذوق خطرناک بساحل نجات برساند، امتیاز معادن با راه آهن یا راه شوسه یا کارخانجات بگیرند که هم دولت آسوده گردد و هم مملکت را آباد نماید و هم احتیاج ملت را رفع و خودش هم منفعت کمی برد

سوم - اعانه بجائی است بی، این وجه قلیل نزد ارباب هم و تیرت ایرانیان داخله و خارجه بولی نیست و اگر فرصاً هر یک از افراد ملت دو قران بدهند یا صد یک بلکه هزار یک از ما ملک خود را تقدیم دولت نمایند با خرج ده روز خویش صرف این کار کنند بلکه خرج ده روز وجه نقد و جائی را بذل نمایند مملکت خویش را از این وره نجات و سبب سرفراری ابدی ایشان خواهد شد

اغلب ملک خارجه در حق ایرانیان اعتقاد دارند که تا محرك خارج نداشته باشند هیچ کاری اقدام نخواهند کرد، ای ایرانیان ایک رمان امتحان و وقت تکذیب آن دعویست. رسید زمانی که محرك باطنی خود یعنی غیرت حیات شرف بهالم نشان دهید و مدلل بنعل نه بقول که محرك ما ما فقط اسلام برست است و حب استقلال و این اعانه را تقدیم دولت خود نمودیم بدون اجبار و آکراه یا ایجاب هیئت روحانی

شخصی اگر دارای ملکی باشد که ده هزار تومان ارزش داشته باشد و مدعی قوی بجه برای آن ملک پیدا شود صاحب ملک بالضرورت دفع او را خواهد کرد اگرچه پنج هزار تومان بلکه ده هزار تومان صرف نماید بلکه اگر اقدام نکرد نزد عقلا و خردمندان مسئول و ملوم خواهد بود، ای ایرانیان اگر ما بول خود را در طریق حفظ دین و آئین و استقلال خویش صرف نکنیم پس کجا صرف خواهیم کرد حضرت امیرالمؤمنین (ع) میفرماید

« و لکنه های دار بعد دارکم »

فرانسیویان در دادن تاوان به پروس با آن اذلاب داخلی هرچه توانستند دادند و از هیچ طور اعانه دریغ نمودند، بول دادند طلا و نقره دادند کتاب و دفتر دادند انک الیبت دادند دایفه لسوانشان کردن بند دادند گوشواره دادند و بذل کردند و همچنین از قبیل دست بند و جواهر آلات خود مضایقه نکردند تا آنکه طوری شد که نصف عشر مالیه عالم را در چند روز بدولت آلمان کارسازی نمودند، ژاپونیان در جنگ روس از هرگونه اعانه دریغ نمودند از بذل جان و مال فروگذار نکردند زنبایشان زر و زیور دادند بلکه بجهای عزیز جگر گوشه خود را در این میدان امتحان فدا نمودند

چرا دور برویم اینک براهران عثمانی ما چندبست برای تکمیل قوه بحریه و خریدن مراکب حربیه صندوق اعانه ملی اختیاری ترتیب داده اند و تا حال پنج ~~ص~~ کرور لیرا جمع شده و هر روز زیاد میشود المب وزرا و شاعرادگان و مبعوثان امرا و مامورین مواجب خود را علی وجه الدوام اعانه دادند هر یک از مبعوثان بحسب قوه و استطاعت کوتاهی نکردند و در سایر بلاد با یک شوق ملی و حس ملی مشغول جمع آوری اعانه هستند و با یکملم شغف با در این دایره میگذرانند بعضی از ولایات و شهرها خود متعهد شده که با هم و عنوان خودشان مرکب حربی خریدند و تقدیم نمایند. شریف مکه حضرت حسین پاشا در یک حلقه بست هزار لیرا جمع نمودند شاگردان مکاتف و مدارس مواجب های خود را با ذیبت حاضر تقدیم نمودند و المب مجامع عثمانی فعلاً معارض همین مذاکره مستحسه است

تقیب راده در شام در خدایه خود فصلی در بیان قوای حربیه اروپا و نسبت عثمانی با آنها شرح داد تمام حاضرین را بگریه آورد

شاید بیان حال ایرانیان را بیشتر جگر بسوزد نمیتوان گفت حس قومیت ایرانیان کمتر از براهران عثمانی است. هنوز ما ایرانیان بموقع امتحان نیامده ایم، البته وقت که با در این میدان نهادیم بواسطه همت و قوت جلی مسلماً گوی سبقت از همکنسان خواهیم ریود و نام نیکی در صفحه تاریخ عالم یادگار خواهیم گذاشت. و اگر غیرتندان هر ولایت و مملکت مثل اعلی اشترکیاد تاوان در وقت جنگ

▶ لایحه یک از علمای اعلام

(قابل مذاقہ و کلا و وزرا)

(و ازلنا معہم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط)
 پیشہ نیست کہ بہترین موقع ار برای احکام
 و استحکام سن حسہ و غرس و اثرب اخلاق
 کریمہ و عفو و اطہاس سن سبہ و ارالہ و اندراس
 طادات قدیمہ موقی تواند بود کہ صورت نوعیہ ملک
 و مملکت بر حسب مشیت لاریبی و موجبات عادی
 و بیبی استحاله و انقلاب پذیرد . حصہ آن استحاله
 و انقلاب کہ بارہ ملی صورت خبیثہ اولیہ و مغیر
 سلطنت جائزہ شخصیدہ بسلطنت عادلہ نوعیہ بودہ باشد
 کہ لامحالہ اثر شرعی و عرفی خود را از طہارت
 ملک و ملت و شہامت دین و دولت در عقب
 خواهد داشت و باخصوص اگر انقلاب نامہر مسبب
 از افراط ہیجات ضیعی خبیث بودہ باشد کہ
 لامحالہ در این صورت علت قویہ انقلاب نفس
 الطبیعہ نتواند بود . چہ طبیعت صورت خود را از
 دست نیدہد حصہ در صورت قوت و شدت . مگر
 آنکہ قوہ قامرہ (نم انسانہ خلقا) آخرش در عقب
 باشد . لاجرم بر حسب مفهوم (ان الله لا یغیر ما قوم حتی
 ینظروا ما بانفسہم) استناد این گونه انقلاب بعہ الملل
 و مقاب القلوب و محول الاحوال اقوی و امن خواهد
 بود . و بحکم (لامعقب لحکمہ ولاراد لغمانہ) ارتصرفات
 بشر دور تر ہر چند باقتضاء (ابی اللہ ان یجری الامور
 الا باسبابہا) ظاہر بیان استناد آنرا باسباب اطہرینند
 چہ واضح است کہ نطفہ خبیثہ پس از طی
 مدارج انقلابات متدرجہ علقہ و مضہ و لحم و عظام
 بدون توسط فیض خالق الارواح و مفیض الصور مرتبہ
 شاخہ انسانیت نتواند رسید و مقام طہارت خود را
 کہ از آثار انقلاب صورت مفاضہ است بدون قیام بوظائف
 شکر نعمت باہرہ و حفظ صورت طامرہ محفوظ نتواند
 داشت . و اگر در تخمیر صورت انسانی در خیرہ
 انسانیت مساحت ورزید لامحالہ صورت مفاضہ طامرہ
 تدریجاً منقلب بنطفہ خبیثہ و میتہ خبیثہ خواهد
 شد . پس این گونه نعمت را از نم بلا واسطہ
 حضرت پروردگار باید دانست کہ بعد از اجتماع
 اسباب بنفخہ فیض او صورت وجود می یابد . آن
 گاہ در مقام شکر آن بر آمد تا مزید آن را
 جلیب کردہ و از کفران آن تخرز جست یا زوال

آن را جذب نموده باشد .

و اولین مرحلہ شکر ہر نعمت قدر شناسی و
 سعی در ابقای نعمت و اتباع اسباب بقا است . و
 چنان کہ حکما فرمودہ اند علت مبقیہ ہر ممکن عین
 علت محدثہ او است و قضیہ مطردہ (حکم الامثال
 فیما یجوز و ملا یجوز واسد) ما را دلالت میکند
 کہ تمامی اجزای امکانیہ و نم متحدہ و منہا
 نعمت المشروطیہ از این قبیل خواهد بود . و علت
 مبقیہ آی جز علت محدثہ نخواہد بود . و علت
 محدثہ چنان کہ گفتیم عبارت از نفخہ فیض آبی
 بعد از اجتماع اسباب بود . پس شکر این نعمت
 اولاً باسترضای مسبب الاسباب و احتراز از موجبات
 سخط او است کہ اسباب را دیگرگون نکند و
 عطیہ خود را باز پس نگیرد . و ثانیاً در نگاہداری
 اسباب موجبہ و ملازمت حفظ و اذتای علل موجودہ .
 و معلوم است کہ ہر چیز را کہ در چیز وجود در آید
 علل و اسباب نامتناہیہ است . بعضیا اظہر من بعض
 و بعضیا اخفی من اخری و اولی و احق بحفظ و
 رعایت حفظ اقوی الملل و جزہ اخیر علت نامہ تواند
 بود و چون بدقت ملاحظہ شود اقوی الملل حدوث
 نعمت مشروطیت توجہات مقدسہ حضرت حججہ عر
 عجل اللہ تعالی فرجہ و احکام مطاعہ علماء روحانین و
 جزہ اخیر علت جنبش غیورانہ رؤساء مجاہدین خواهد
 بود . باز چون باریک تر شویم جان بازی مجاہدین
 را نیز علت همان احکام مطاعہ خواهد بود . احکام
 مطاعہ را نیز چون مطاعہ کنیم مسبب از لزوم
 حفظ بیضہ اسلام و مستند باسلام پناہی علماء اعلام
 خواهیم یافت .

پس فی الحقیقہ و بالاخرہ این نعمت را ما
 از اسلام و قوای اسلامیہ داریم . و اول چیزی کہ
 شکر این نعمت بر ما واجب خواهد کرد حفظ
 اسلام و تقویت قوای اسلامیہ خواہد بود . کہ جامع
 استرضای مسبب الاسباب و حفظ رتبہ اسباب است .
 تا انجا مقدمات سخن فلسفیہ و نتیجہ امیہ آن
 وجوب حفظ قوای اسلامیہ بود . حالا باید دقت
 کرد کہ مقدمات سیاسیہ نیز منتج همین نتیجہ و ملزم
 همین فریضہ خواہد بود یا نتیجہ آخری خواہد داد .
 شک نیست کہ مطلقاً تمامت اقسام سیاست دولت
 سیاسی تواند بود کہ بوسیلہ آن حزب قلوب رعیت

توان کرد، چه در این صورت استجلاب منافع محتاج باعمال قوه جبریه نخواهد بود، و رعیت بر این تندر بمنزله گنج بادآور و دولتی بی خون جگر خواهد بود که دولت را دستیاب شده و بکنار آمده باشد. و این چنین دولت هماره محفوظ از زوال تواند بود و برخلاف آن سیاستی است که محتاج به مزید اعمال قوه جبریه باشد چه بر این وجه حرکت دولت همیشه قسری و قضیه القسر لایندوم پیوسته او را در شرف انحلال و اضمحلال و شفا حرف هلاک و زوال خواهد داشت و بر تلاوة منافع او از رعیت همیشه اندک و مضار او هماره سترک خواهد بود چه در استیفاء یک تومان همیشه محتاج بمصرف نصف آن است. و بدیهی است که دولت هوشمند هیچوقت این مسأله را برمسأله اول اختیار نخواهد کرد. پس بهترین طرق سیاست جذب قلوب رعیت است و جذب قلوب رعیت را ملکی قریب تر و راهی نزدیک تر از موافقت جهت جامعه و تقویت قوه مشترکه آنها نیست. چه احتیاج یک امت بر یک جهت جامعه و شرکت ملت در یک جهت مشترکه کاشف از متهای اهمیت و غایت محبوبیت آن است، که با تشقت اهواء و اختلاف اغراض آنان را در آن جهت شرکت داده و بر آن جهت جمع نموده. و چون تواند بود که جهات جامعه ام مقید باشد بعضی ملامت مقاصد سیاسی و بعضی منافر آن.

بدیهی است که دولت هوشیار جامعه ملامت ر تقویت و با جامعه منافره مدارا و ملامت خواهد کرد تا تدریجاً جامعه منافره را در تحت قوت جامعه ملت ملامت مضمحل و معدوم نماید و تواند بود که دو جهت جامعه هر یک ملامت مقاصد سیاسی باشند لیکن احدیها باندت تدریج و تقویت تدریج و بمنزله یک عسکر مستعد از برای دولت باشد، و دیگری را اناره و هیجان و تحصیل انتفاع به آن مربوط باعمال مؤنه زائده و علل مستعدنه باشد. در این صورت نیز بدیهی است که دولت سعادت مند جهت مستعدة الفعیله را بیشتر تقویت خواهد کرد و خود را محتاج بمؤنه زائده نخواهد نمود. خاصه اگر تقویت جهت مستعدنه موهم اغراض از جهت مستعدة الفعیله باشد که لامحاله لمختیار جهت مستعدنه ممکن است بواسطه همین ابهام منتج بکلیت خصوص شود این مقدمات

بکدام برهان باشد و محتاج به مزید تدریجی نباشد - چیزی که محتاج به تشریح است تطبیق این مقدمات با حالت حالیه ایران و سایر ممالک و انتاج نتیجه مطلوب است پوشیده نیست که تمامی اینها بر وجهی اجتماعی آنان مدنی باشد چون شهری و روستایی و چه وحشی باشد چون ایلات و بادیه نشینان سه جهت جامعه را دارا و باختلاف مراتب هر یک را لازم الحفظ و بمنزله ناموس میدانند، اول جامعه بصری، دوم جامعه قومی و وطنی، سوم جامعه کلتی و دینی و از اول خلقت تا حال سلطنت و ریاست تشکیل شده مگر بجهت حفظ همین نوامیس تلافی، و معنی این فصل قانون اساسی که سلطنت و دیهه ایست آریه که رحاب ملت بشخص سلطان داده میشود، این است که چون هیئت اجتماعیه مأمون از دست برد افراد خود یا افراد هیئت دیگر بر این نوامیس تلافی نیست لامحاله شدت حاجت در نفوس هیئت مجتمعه اقامه اختیار رئیسی خواهد کرد که بعمادت او بتوانند این نوامیس را از دست برد افراد خود و سایر ملل محفوظ دارند. پس هر رئیس یا هر هیئت رئیسه که این نوامیس را در حد حفظ آن محفوظ دارد قیام بحق ریاست و سلطنت نموده، و منتهی الآمال رعیت را معمول و سلطنت خود را محفوظ داشته، حالا باید دید که حد حفظ این نوامیس تلافی چیست بهترین ملامت از برای تحدید حد حفظ نوامیس مزبور و بعبارة اخری جامعترین حد از برای معرفی سلطنت داده که لازم ملزوم حفظ نوامیس مزبور است این است که ملاحظه شود که هرگاه افراد هیئت مجتمعه خود میخواهند نوامیس خود را حافظ باشند تا چه اندازه در حفظ آن میکوشیدند و در صورت عدم امکان جمع کدام یک را اولی و اهم میدانستند و کدام را فدای حفظ دیگری میکردند، و صاحبان وجدان از وجدان خود تا چه اندازه متوقع اهتمام در حفظ نوامیس مزبور بودند، چه بدیهی است که هیچیک از افراد رعیت از رئیس یا هیئت رئیسه زیاده از آنچه یک نفر عاقل کامل العقل از وجدان خود متوقع است توقع نخواهد داشت، پس در این باب نقل کلام را تجدید وجدان خود عفا باید کرد که در مقدار حفظ نوامیس و اهمیت هر یک چگونه معمول میدانند و همان اندازه وحدوا از برای تشکیل

سلطنت صحیحه معیار باید قرار داد.

بدین است که هر مافقی هرگاه بخواهند او را از حقوق بشری محروم دارند و با او معامله حیوانات یا کول‌الحم نمایند و جان و مال و عرض او را محترم ندارند یا او را از وطن و مسکن از عاچ نمایند یا او را مقهور به رفع ید از کیش و آئین نمایند. لاجاله در حفظ مال و جان و عرض و وطن و دین خود از بذل مال به هر اندازه که کفی در حفظ باشد مضایقه نخواهد کرد بلکه از افتحام در مخاطرات جانی نیز مضایقه نخواهند نمود ولی در صورت عدم تمکن از حفظ همه نوامیس و دوران امر بین بذل این یک در راه حفظ دیگری بتینی است. که صاحب وجدان مستقیم مال را فدای جان و جان را فدای عرض و وطن خاصه در صورتی که حفظ وطن عبارت از حفظ عرض باشد خواهد نمود. باز در صورت دوران همه این‌ها را فدای حفظ دین خواهد کرد چه با حفظ جامعه دینی همان‌جاعت می‌توانند تشکیل و ض دیگر دهند یا وض مألوف را باز پس گیرند ولی با اضاعه دین لاجاله وطن بدست همان جاعت در معرض انهدام است

از اینجا معیار ریاست صحیحه و سلطنت عادلانه بدست آمد و معلوم شد که سلطنت عادلانه سلطنتی را توان گفت که به همین ترتیب در حفظ نوامیس معمول دارد چه سلطان عادل طلاقه و سلطنت عادل وکیل رعیت است در حفظ نوامیس ایشان و اینکه اروپائیان با نهایت مهارتی که در تشکیل دولت دارند جامعه قومی و وطنی را زیاده از جامعه دینی بنظر عنایت مینگردند. جبهه این است که قوانین دینی آنان چندان مربوط به سیاسیات مدنی نیست. بلکه با طرق سیاست منافرت دارد. علاوه بر این بسیاری از بلاد ایشان مرکب از فرق مختلفه و ادیان غیر مؤتلفه است و در حقیقت جامعه دینی در دست ندارند این است که از برای تشکیل اتفاق رعیت و بهره مندی از مساعدت ملت و همدست کردن ایشان در دفع اجانب جامعه کاملتر از جامعه وطنی نیافته از این رو بوسیله این جامعه ملت را با خود همدست و ملوک را محفوظ میدارند و با جامعه دینی طریق تمذاری می‌بینند. ولی دولت و ملت اسلامیانه خاصه مؤمن علیه ایران را بجهت استقلال و جامعه قوی

متحدت اسلامی که جامعه وطنی یکی از فروع او است دستیاب است. که اگر در تعظیم مشاعر و اجرای احکام آن چنان که شایسته است بکوشند دولت اسلام میتواند به‌یشتوانی همین یک جامعه منیمه مصداق (الاسلام یعلموا ولا یعلی علیه) گردد.

اما مسئله تناسب و ملائمت احکام اسلامی با سیاسیات مدنی کن نمیکند بر هیچ پیننده بصیری محتق باشد و اگر بخواهیم تناسب احکام اسلام حتی عبادات آنرا با سیاست ملک شرح دهیم مستوعب یک مجلد ضخیمی خواهد بود. در این مقام ما را اعتراف علماء فرنگ بکفایت اسلام از مہیات بشری کافی است. چیزی که در خور توجه است این نکته است که آیا اقتضای بر تقویت جامعه وطنی و قومی با اممال و اممال جامعه اسلامی اوفق با سیاست ملک و اقرب بجدب قلوب ملت و ابعاد از نفور رعیت شناخته میشود یا استحصال مساعدت معنوی ملت که مابہ القوم بقاء ملک و دولت است. از طریق تقوی جامعه دینی اقرب و اوفق است کجا نمیکند. در کشف این نکته محتاج بمراجعه تواریخ سلف نباشیم و مشهودات وی بری ما را در کشف این دقیقه کافی باشد. چه همگان برای العین دیدند که اگر مساعی جبهه و حکام معاضه علماء روحانین بود حیات استقلال ایران ختمه پذیرفته بود. هر چند جان فشانی این چند تن سردار براباز و مجاهدین جان باز را منزلت علت قاعله و قوه فعا له بود. ولی با این همه یقین دارم اگر بخود این دو سردار بختیار رجوع شود تصدیق خواهند فرمود که علت العمل درک این سعادت و فوز این نعمت همانا همان جامعه منیمه اسلامی و احکام مطاعه حجج اسلامی بود.

باز هم فریگی مآبان دولت ایران و خوشنود کنندگان پیغمبر آخر الزمان (ص) که کلمه جامعه اسلامی و آیات شریفه قرآنی را یک سره پشت سر انداخته تمام سعادت را منحصر در متابعت فرنگیان میدانند، بگفته حکیمانه حکیم دانشمند و پادشاه نیرومند فرس اردشیر بابکان که کلمه جامعه الملك والدين توامان را از هزارن سال پیش بجهت امروز ما و ایشان بیادگار گذاشته یادآوری میکنیم. این فرزانه سخن در این قرن اخیر بطوری بطون حقیقه و مصدق دقیقه خود را بر طلیان روشن و مبرهن ساخت که هیچکس